

والله ثم الله
أوديكم لبو غريب!!...يا...





انته لو زلمه هد ادينه وخل اعيوننه
اتشوفك!!!چان علّمناك الضرب شنهو!!

دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۸۳ - ۱٦جمادي الاول ۱٤۲٥ - سال چهارم - شماره ٤۷ - ۱۰۰۰ریال

مهندس سیاحی مدیر عامل آب وفاضلاب استان:

در هیچیک از شهرهای استان مشکل آلودگی آب نداریم



مشاهد من محاكمه صدام حسين التى تأخر عرضها

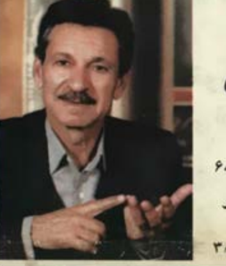
فى عالم اختفت فيه معالم الحقائق وكثرت فيه الأضاليل والخدع تجد المتابع تأخذه الحيره عندما يرى التلاعب بالمفاهيم والقيم فيرى شارون رجل سلام والمقاومه الفلسطينه ارهاباً والدفاع عن النفس خروجاً عن القانون و الحروب الاستباقيه وغزو الدول دفاعاً عن العالم المتحضر و...!

وفى هذه السياق طرحنا أسئله على القارى لكى يجيب عليها خارجٌ من الضجيج الاعلامى حول محاكمه صدام : يا تُرى مَن يحاكم مَن فى هذه المسرحيه ؟!! وهل جُناهُ سجن أبوغريب يحاكمون جناه حلبچه بعد أكثر من خمسه عشر عاماً؟!ثم متى يحاكم الجانى فى سجن «ابوغريب»؟؟ هل جناه اليوم يحاكمون جناه أمس؟ ثم من الذى وقف وراء صدام عندما شن حربه على ايران؟ ومن هيّأله الأسلحه الكيماويه؟ ومن هم الضالعون مع صدام فى ممارسه الدول المستكبره عندما ارتكب هذه الجرائم خلال ۳٥سنه؟من المستفيد من هذه المحاكمه فى الوقت الحاضر؟هل القائمون بهذه المحاكمه يريدون رفع أسهم بوش فى الانتخابات المقبله؟لمماذا لم يحاكم صدام فى محكمه لاهاى لاقترافه جرائم ضد الانسانيه؟أم يخشى الأمريكيون أن تكون محاكمته فى المحكمه الدوليه تبعد امريكا من التدخل فى سير المحاكمه؟هل تسريع محاكمه صدام فى ضل حكومه عميله وضعها الاحتلال الامريكى تخدم مصالح الشعب العراقى؟هل محاكمه صدام فى الوقت الحاضر تهدف الى تردى الوضع الامنى لايجاد ذرائع لبقاء القوات الامريكيه؟أم محاكمته فى هذا الوقت بالذات تقلل من عمر بقاء القوات الامريكيه؟وهل.........؟

ونطرح سؤالاً آخر وليس الأخير هل محاكمه صدام تكون رادعاً لجميع الحكام فى الشرق الأوسط لكى لا يقعوا فى فخ أمريكا؟!!

الصفحه۷

سخنی با ملت آمریکا



رسالة من طفل فلسطينى الى الزعماء

الصفحه۶

لقاء خاص مع الأستاذ الدكتور عباس العباسى الطائى

الصفحه۳

اعلان

صوت الشعب صحيفة مستقلة لا تنتمي الي اي حزب او تيار او مجموعة او فرد و هي للجميع، تسعي ان تكون منبراً لكل الاصوات و الآراء و واحة خصبة لكل الاقلام الشريفة و الحرة دون أي انحياز أو تطرف أو مساس لكرامة انسان.

علماً بأن الاراء التى ترد فى الصحيفة لا تعبر بالضرورة عن رأى الصحيفة بل تعبر عن رأى كاتبها

الطالبة حوراء حسين شاوردى
الصف الأول الابتدائى
المعدل:۲۰
مع جزيل الشكر والتقدير للسيدة صائغى

الى كافة شعرائنا الأماجد

تدعوا صحيفه صوت الشعب كافه الاخوه والأخوات الراغبين ومحبى الشعر والأدب للحضور فى الحلقات التعليميه

لتدريس العروض والقافية

وذلك بحضور أساتذه الشعر والأدب
الساعة ۷مساءا
كل يوم أربعاء فى الأسبوع

فلذلك نرجوا من الراغبين الاتصال بمكتب الصحيفه من أجل أى استفسار و تسجيل أسمائهم على الرقم ۳۷۸۶۸۰۰

وشكراً

اعلان

تعلن اللجنه المشرفه على جلسات نقد الشعر عن اقامه
الندوه النقديه الثانيه لأشعار الشاعر الشعبى تركى الأميرى
والدعوة عامه للحضور والمشاركة
المكان: حى كوت عبدالله - دوار الخزامى - مركزخدمات البلديه للمنطقه الخامسه
الزمان: السبت ۱۳۸۳/۴/۲۰ الساعه ۷/۳۰مساءاً



جشنواره دانش آموزان برتر مدرسه راهنمایی شهید مجد زاده

اولین جشنواره دانش آموزان برتر وفعال مدرسه راهنمایی شهید مجد زاده روز جمعه پنجم تیر ماه در سالن اجتماعات لین مدسه برگزار گردید.

این جشنواره از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۱۲ روز جمعه پنجم تیر ماه با حضور دانش آموزان ،اولیاء

آنان،تنی چند از مسئولین اداره آموزش وپرورش ناحیه ۲ اهواز، معلمین واعضای انجمن اولیاء ومربیان مدرسه در میان شور ونشاط وشادابی دانش آموزان برگزار گردید.

در پایان مراسم نیز به پنجاه نفر از دانش آموزان اول تا سوم راهنمایی که معدلهای بالا در مقطع تحصیلی خود بدست آورده بودند از سوی اولیاء مدرسه وتنجمن اولیاء ومربیان هدایایی به رسم یادبود به آنان اهدا گردید که مورد تقدیر وتشکر اولیا دانش آموزان واقع شدند.

۶۸ واحد مسکونی تجاری- مسکونی در شادگان واگذاری می شود

مدیر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شادگان اعلام کرد تا پایان سال جاری تعداد ۶۸ واحد تجاری ، مسکونی در شهرستان شادگان واگذار می شود عبدالحسین نیسی گفت: درراستای تولید مسکن برای اقشار کم در آمد توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان یکی از متولیان امر ساخت وساز در دو بخش شهری وروستایی، این بنیاد اقدام به ساخت تعداد ۶۸ واحد تجاری ، مسکونی در شهرستان شادگان کرده است.

نیسی افزود: این واحدهای تجاری ، مسکونی به افراد واجد شرایط که از اقشارکم در آمد شهرستان هستند وبر اساس اولویت بندی ها انتخاب می شوندواگذار می شود.

وی افزود: پروژه ۶۸ واحدی شهرستان شادگان شامل ۵۴ واحد مسکونی و۱۴ واحد تجاری است که با توجه به بافت جغرافیایی شهرستان وبه منظور رفاه حال شهروندان، واحد های مسکونی به صورت ویلایی ساخته می شود.

وی گفت: متراژ زیر بنایی هر واحد مسکونی ۷۰ متر مربع در قطعات ۱۶۰ متری تعیین شده که با ساختار اسکلت فلزی وبرگرفته از نمای سنتی شهر ومعماری روز ساخته می شود.

نیسی خاطر نشان کرد: اعتبار اولیه ساخت تعداد ۶۸ واحد تجاری، مسکونی در شهرستان شادگان توسط بنیاد مسکن واز طریق پیش پرداخت توسط متقاضیان پس از ۳۰ در صد پیشرفت فیزیکی پروژه تامین می شود.

طی سال ۸۳ در خوزستان ۶۶ هزار فرصت آموزشی ایجاد می شود

رئیس اداره آموزش وپژوهش فنی وحرفه ای استان خوزستان اعلام کرد: تعهد آموزشی اداره کل فنی وحرفه ای استان خوزستان در سال ۸۳، ایجاد ۶۶ هزار و۱۸۴ فرصت آموزشی است.

شهرام ملایی گفت: تعهد آموزشی یاد شده به تفکیک عبارت است از: آموزش ۹۸۹۴ نفر در مراکز ثابت، ۱۲۹۹ نفر مراکز سیار، ۹۹۹۱ نفر در صنایع استان و۴۵۰۰۰ نفر در بخش خصوصی.

وی افزود: اهداف عمده برنامه آموزشی فنی وحرفه ای استان خوزستان در سال ۸۳ آموزش رشته های معطوف اشتغال ومورد نیاز صنایع ، حذف رشته های موازی(غیرمعطوف به اشتغال) ونیز تقویت بخش خصوصی است.

ملایی گفت: درراستای رسیدن به این هدف تا کنون برخی رشته های آموزشی در مراکز خواهران از جمله بافندگی با ماشین، قالیبافی وگلیم بافی حذف شده وآموزش در مراکز برادران برروی رشته های فنی (برق صنعتی، نقشه کشی، مکانیک، برق خودروو...) طرح ایران -آلمان وآموزشهای پتروشیمی وآموزش ایران وژاپن استوار شده است.

وی حذف آموزشهای بعد از ظهر مراکز ثابت فنی وحرفه ای رااز اهداف امسال فنی وحزفه ای استان خوزستان بر شمرد.

گردهمایی آشنایی با مدل تعالی سازمانEFQM برگزارشد

به منظور آشنایی با ضرورت ها واصول مدیریت کیفیت جامع، روش خودارزیابی، شناخت الزامات وچگونگی دستیابی به درجه اعتبار تعالی کسب وکار، گردهمایی آشنایی با مدل تعالی سازمان بر اساس EFQM برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شرکت برق منطقه ای خوزستان، دکتر آلفرد کارا بدیان مدیر عامل شرکت IMQ ایتالیا درایران با اشاره به تغییرات پیرامون سازمانها، ضرورت ها وسیر تحول نگرش کیفیت تا مدیرت کیفیت جامع گفت: از نظر روش EFMQ سازمانی سر آمد است که بتواند رضایت مندی کلی طرف های ذینفع از جمله مشتریان،مدیران، سهامداران، پیمانکاران ، کارکنان، بانکها و... را تأمین کند.

وی همچنین افزود: از جمله ویژگیهایی که این روش رابا روشهای سر آمدی دیگر متمایز می کند، بر آورده کردن رضایت جامعه از سوی سازمان است، جامعه ای که ممکن است به صورت مستقیم مشتری سازمان نباشد.

دکتر کارابدیان با اشاره به تاریخچه تأسیس بنیاد مدیریت کیفیت اروپایی EFQM تصریح کرد: این روش در هدایت ویکسویه کردن تمام تلاشهای مربوطه به رشد، ارتقاء ، توسعه، بهبود، افزایش بهره وری ورضایت مشتری نقش مهمی راایفا می کند.

مدیر عامل شرکت IMQ ایتالیا درایران براین نکته که" اصول فعلی تجارت در جهان امروزی بر پایه اصول سر آمدی استوار است" تصریح کرد: رهبری وثبات هدف، خط مشی واستراتژی ، مدیریت بر پایه فرآیند ها، توسعه مشارکت کارکنان ، بهبود ، نوآوری ویادگیری مستمر به عنوان اصول اولیه روش EFQM به شمار می رود.

دکتر کارابدیان با تأکید بر ضرورت ونقش رهبری در سازمانهای متعالی حاطر نشان کرد: رهبران متعالی علاوه بر ایجاد ارزشهای سازمانی وسیستمهای مورد نیاز برای دستیابی به موفقیت پایدار ، قادرند جهت حرکت سازمان را تغییر داده وافراد رابه پیروی از آن وادرنمایند.

شایان ذکر است گردهمایی یکروزه آشنایی با مدل تعالی سازمان EFQM (بنیاد مدیریت کیفیت اروپایی) با حضور مدیران وکارشناسان شرکت برق منطقه ای خوزستان در تالار اجتماعات آموزشکده فنی صنعت آب وبرق برگزار شد.

ارتقاء استاندارد سطح کیفی آب از مهمترین وظایف مادربخش آبرسانی است

به گزارش روابط عمومی وآموزش همگانی شرکت آب وفاضلاب اهواز مهندس کریمی مدیر عامل این شرکت در مراسم افتتاح پروژه توسعه دستگاهی آزمایشگاه آب اهواز با اعلام این مطلب ضمن تقدیر وتشکر از پرسنل زحمت کش این شرکت که بدون هیچ چشمداشتی با تلاش شبانه روزی خود از سه سال پیش تا کنون توانسته اند با عزمی راسخ پروژه های عظیمی در بخش آب وفاضلاب به انجام برسانند مجموعه این تلاشها رامجاهدتهای خاموش نام نهاد وتصریح نمود انجام وراه اندازی این پروژه مهم در آزمایشگاه آب اهواز که ماراقادر در خواهد ساخت تاجزئی ترین مواد آلی وسموم کشاورزی وصنعتی رادر رودخانه کارون شناسایی واندازه گیری نمائیم وخود یک موفقیت بزرگ است ککه میتواند یک گام مهم به جلو ارزیابی شود زیرا انجام این مهم بدون افزایش ظرفیت کارشناسی وتوسعه دستگاهی وتجهیزاتی از جمله بکارگیری دستگاههای(G-C) واتمیک وهمچنین توسعه فضای این آزمایشگاه میسر نبود. ایشان درادامه افزود: انتخاب واعلام آزمایشگاه آب این شرکت بعنوان آژمایشگاه معتمد محیط زیست استان خوزستان نشان دهنده صحت ودقت کار پرسنل زحمت کش ومتخصص این مرکز می باشد که در همین جا از تلاش ومجاهدتهای متعهدانه این عزیر آن قدردانی می نمایم مدیر عامل آبفایادآور شد: یکی از وظایف شرعی وقانونی ما تامین آب شرب سالم وبهداشتی برای همشهریان عزیز است که ارتقاء استاندارد سطح کیفی آب از مهمترین وظایف مادر بخش آبرسانی است.

مهندس کریمی در ادامه افزودند: ماباهمت وسخت کوشی شماپرسنل وهمکاران متعهد طی این چند سال اخیر توانستیم موفقیتهای زیادی را کسب نمائیم که از مهم ترین آنها ارتقاء جایگاه وکسب مقام پنجم در سال ۸۰ وصعود به مقام چهارم در سال ۸۱ در بین شرکتهای بزرگ ومدعی آبفا کشور از جمله می باشد واین در حالی است که شرکتهای مذکور در صد کوچکی از مشکلات ومعضلات فرهنگی اجتماعی ومنطقه ای ماراناشتند. وی اضافه کرد علاوه بر کسب این افتخارات، این شرکت توانست در ارزیابی شرکتهای نظام یکپارچه کنترل مدیریت تحت عنوان "ابجد" که به تقسیم بندی ورتبه بندی شرکتهای تابع وزارت نیرو اختصاص داردرتبه چهارم رااز آن خود نماید که بجاست دریافت افتخار آمیز گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ ویرایش ۲۰۰۰ که به تنهایی یک تحول بزرگ برای این شرکت قلمداد می شود رانیز اضافه نمائیم. مدیرعامل آبفا اهواز در بخش دیگری از سخنان خود به تاسیسات تصفیه خانه فاضلاب غرب اهواز (چینه)اشاره نمود واظهار داشتند: یکی از طرحهاو پروژه ها ی بزرگی که ما توانستیم بادرایت وتوانمندی پرسنل متخصص خود به انجام برسانیم به قطع پروژه مهم بازسازی وراه اندازی تصفیه خانه فاضلاب اهواز پس از ۲۲ سال است وی در ادامه ودرخصوص اهمیت این تصفیه خانه گفت فرآیند پیچیده ای که دراین تصفیه خانه صورت میگیرد باعث گردیده تا این تصفیه خانه بعنوان الگوی آموزشی ودرسی دردانشگاههای معتبر مطرح شده ودر زمینه های لازم جهت استفاده دانشجویان علاقمند در سراسر کشور فراهم شود. مهندس کریمی در همین راستا عنصر تحقیق را شاخص ترین ومهمترین دلیل موفقیتهای اخیر این شرکت بر شمرد دارائه ۱۴ کیس تحقیقاتی توسط کارشناسان این شرکت رادلیل این مدعا دانست. ایشان در پایان مواردی همچون تعهد، علاقه وتخصص را اصلی ترین عوامل در پیشبرد امور کیفی در شرکت آب وفاضلاب اهواز عنوان کرد وتسریع نمودند چنانچه ما بتوانیم با همین روند ادامه دهیم آینده بسیار درخشان وامیدوار کننده ای در پیش رو خواهیم داشت. که مؤیدتلاش وسخت کوشی پرسنل زحمت کش این شرکت قدردانی (دکتر ابتکار معاون محترم رئیس جمهورورئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور ، بواسطه پیشرفتهای قابل توجه شرکت آب وفاضلاب اهواز در اجرای طرح جامع فاضلاب این شهر می باشد. لازم بذکر است دکتر ابتکار معاون محترم رئیس جمهور ورئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور طی سفری که اخیراً با استان خوزستان داشتند از تاسیسات جامع آب وفاضلاب این شهر بازدید نمودند وطی یاداشتی از تلاشهاومجاهدتهای پرسنل آب وفاضلاب اهواز قدردانی نمودند.

ترمیم وبهسازی پل لشکر به پایان رسید

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه دو اهواز با تلاش وکوشش این پرسنل ودر جهت تقویت حاکریزهای دوسمت پل لشکر این منطقه نسبت به ترمیم وبهسازی پل لشکر که شامل دیوارسنگی، احداث لوله های زهکشی، حوضچه های آجری آن وخاکریزبطول ۵۰۰ متر اقدام نمود.

بلوار قدس ساماندهی می شود

مهندس داود زاده معاون فنی وعمرانی منطقه شش با اعلام این خبر گفت: ضلع غربی بلوار قدس به منظور توسعه فضای سبز وایجاد چشم انداز خاکریزی می شود وی گفت: این قسمت از بلوار ۱۵۰۰ متر طول داشته وبا هزینه ای بالغ بر ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/- ریال بهسازی وساماندهی میشود.

مسئولان وغیرت دینی

محمد کوتی

نگاهی با تاریخ پند آموز زندگانی مولا امیرالمؤمنین ونحوه نگرش آن حضرت به آموزه های دینی واشراف برعملکرد کارگزاران حکومتی نه تنها الگو واسوه ای گرانبها برای زمامداران وقت بوده بلکه برای تمامی دوران تاریخ، کارسازوتطبیق منویات حضرتش رهایی بخش انسان از اسارت وبردگی خواهدبود. در طول تاریخ حاکمیت مسلمانان مشکلات ومصائب بزرگی بوجود آمده که متأسفانه بدلیل بی تفاوتی حمکرانان مسلمان در تاروپود جامعه نفوذ کرده وکم کم با اباحه گری وغفلت متولیان به یک فرهنگ تبدیل شده وپایه های اعتقادی شهروندان راسست ویااز بین برده است. دشمنان با شناخت این ضعف اولین بار در جنگ اسلام ومسیحیت از آن بعنوان یک حربه کار ساز استفاده نمود، در آن هنگام که اسلام می رفت تمام اروپا را تسخیر نماید صلیبیون با گسترش فساد در بین مسلمانان وتضعیف روحیه دینی جنگجویان خط مقدم وگسیل دادن هزاران دختر جوان موفق به سست کردن باورهای دینی واعتقادی مجاهدان مسلمان شده ودر نهایت به شکست جبهه مسلمین منجر شده است، لذا سردمداران استکبار با کس این تجربه موفق سعی کردند هر جا جنبش آزادیخواهانه ومخالف با منویات استکباری آنها در جهان اسلام ظهور کند با استفاده از این حربه به شکست واضمحلال آن بپردازندمتأسفانه آنچه امروز در خیابانهای شهر اهواز مشاهده می شود همان جبهه جنگ کفار با مسلمین بوده وتنها تفاوت آنااین است که این جبهه در درون جامعه ما بوجود آمده وجنگجویان آن افراد خودی هستند.

آنچه امروز در اهواز مشاهده می گردد دل هر مسلمان غیرتمند رابدرد می آورد. واخلاقی، عریان گرائی و... به وفور دیده می شود مشاهده این صحنه های تالم برانگیز سؤالاتی رادرذهن متبلورمی سازد که ما در کجای دنیا زندگی می کنیم؟

مسؤل این وضعیت اسفبار کیست؟ چرا همه سکوت اختیار کردند؟ وظیفه متولیان فرهنگی ، اجرائی وروحانیون در برابر این وضعیت نابسامان چیست؟درریشه یابی پدیده شوم عوامل مختلفی دخیل بوده که پرداختن به همه آنهادراین مقال نمی گنجد ولی به مصداق «من لا یدرک کله لا یترک کله» به برخی زاویای این پدیده می پردازیم.

از دیرباز هرگاه منافع استعمار گران به خطر افتد با تمام توان وارد صحنه شده ویا هروسیله ممکن سعی در شکست آزادیخواهان ونهضتهای استقلال طلب نموده اند دراین راه موفق ترین حربه ای که مورد استفاده استعمارگران قرار گرفته ونتایج مؤثری بویژه در کشورهای اسلامی ببار آورده حربه ای فرهنگی بوده است. ورودبه مقوله فرهنگی وسست نمودن اعتقادات وباورهای دینی آن جامعه وکشاندن بدنه فعال آنها به فساد ومشغول کردن جوانان به مسائل ضد اخلاقی از دیر باز مورد توجه ویژه معاندان ودشمنان اسلام بوده ونمونه بارز آن وضعیت کنونی وپیشین جهان اسلام است. آنچه دراین میان جای آن خالی است عدم برنامه ریزی مدون وعملی جهت مقابله بااین پدیده شوم بوده وهیچگاه متفکرین اسلامی در اندیشه چاره جوئی نبوده ونیستند لهذا نتیجه این بی توجهی وبی برنامگی وخلاء اعتقادی ناشی از عدم تغذیه فکری صحنه های تأسف برانگیزی است که در بلاد اسلامی واز جمله شهر ما که محل حضور هزاران لاله پرپر شده هشت سال دفاع مقدس بوده که در مقایسه با دیگر شهرها وضعیتی به مراتب بدتر وبحران بی هویتی وبی اعتقادی آن حادتر ومتأسفانه واکنش متولیان امر کندتر می باشد. این سکوت تامل برانگیز سؤالات زیادی رادر اذهان متبلور می سازد که در موقع خود قابل طرح بوده ولازم است مسؤلان ذیربط خودراابتداء در پیشگاه خداوند وروز قیامت وسپس برای مردم دراین سال که توسط مقام معظم رهبری سال پاسخگوئی مسؤلان عنوان یافته آماده نمایند. مضافاً اینکه به لحاظ شرعی وقانونی ابتدا این فرضیه متوجه مسؤلین نظام می باشد ولی این بدان معنا نیست که مردم امر بمعروف ونهی از منکر رافقط وظیفه حکومت دانسته وخود رابی تکلیف بدانند که این طرز تفکر بسیار خطرناک وباعث انحراف وسقوط جامعه می شود چرا که اولاً احادیث متواتری وجود دارد که امر راوظیفه همگان دانسته ودر ثانی آنچه امروز بر سر جامعه مابوقوع پیوسته است ناشی از این طرز تفکر بوده وهست، از طرفی مسؤلان مادر جامعه اسلامی در مسند قدرت تکیه زده واین وظیفه چه از منظر شرع وچه قانون متوجه آنهااست ومردم بلحاظ وجود حکومت اسلامی قدرت مانور محدودتری دارند لهذا لزوم تجدید نظر در نحوه برخورد بااین گونه مسائل ضروری بوده بلکه موکول نمودن آن به قضاء وقدر واعمال مدیریت مقطعی نه تنها مشکل رامرتفع نمی سازد بلکه به مانند یک بیماری مسری روز به روز جامعه را آلوده تر نموده وبیماری اباح گری رابر آن خواهد افزود. بیماری که هم اینک آثار زیان بار آن دامنگیر برخی متولیان امر شده است واگر همه گیر شود دیگر امیدی به علاج نخواهد بود. اتخاذ تدابیر لازم جهت طراحی یک برنامه چند مرحله ای همه سونگر وجامع ومنطبق با معیارهای علمی که بتواند بایک زمانبندی تعریف شده این مشکل راحل نماید بسیار حیاتی بنظر میرسد. اماقبل از طراحی چنین برنامه ای آنچه می بایست دغدغه متولیان این طرح باشد این است که ما دیگر فرصت وزمان آزمون وخطا رااز دست داده ایم وهر برنامه ای که طراحی واجرا شود هدایت یاضلالت جامعه رادر پی خواهد داشت مضافاً اینکه آمارهای موجود نشان می دهد که متأسفانه وضعیت نا هنجاریهای اجتماعی وسن ابتلا به ؟آن بسیار نگران کننده واسف بار است ووجود بی بند وباریهای فزاینده پائین آمدن سن ابتلاء آمار بالای اعتیاد کشیده شدن آن به محیط های دانشگاهی ومدارس که در خوش بینانه ترین آمارهارقم ۵۰ هزار نفری دانش آموزان کشور و... زنگ خطری است که به یک عزم انقلابی نیاز دارد وهر چه دیرتر به فکر علاج آن باشیم هزینه های آن بیشتر وحصول نتیجه دیرتر ومشکل تر خواهد بود. آگاهی ازاین مطلب که قبل از دعوت مردم به نیکی خود باید عامل بدان بوده واصلاح رااز خود ونزدیکان آغاز نمائیم بسیار مهم وحیاتی به نظر می رسد. متأسفانه با مشاهده زندگی وپوشش فرزندان برخی مسؤلان که می بایست الگو وسر مشق قاطبه جامعه قرار گیرند ویا ظاهر شدن این تپ افراد در صحنه های اجتماع وگاهاً همراه با والدین محترم آنها چگونه انتظار کاز آمدی وعظ وارشاد متولیان خواهیم داشت ؟ چگونه مردم رامتقاعد نمائیم در حالیکه شعار وعملکرد متناقض ما بر کسی پوشیده نیست چگونه انتظار تبعیت اوامر متولیان امر راداریم در حالیکه در میدان عمل بگونه ای متضاد با شعارهای خود ظاهر می شویم. لهذا اولین وبلکه اولی ترین برنامه جهت مقابله بااین پدیده شوم تقید همه مسؤلان حکومتی وخانواده مکرم آنها به مبانی شرعی واولی دانستن خود به رعایت موازین اعتقادی وبا دعوت عملی آنرا به یک نهضت ارزشی مبدل سازیم.

رونق اقتصادی خرمشهر

با وارد شدن پست ۱۳۲/۳۳ کیلوولت خرمشهر ۳ وگسترش شهرکهای صنعتی، وضعیت اقتصادی خرمشهر ومناطق پیرامون آن رونق می یابد. به گزارش روابط عمومی برق منطقه ای خوزستان ، مهندس سعید برادران مجری پستهای ۱۳۲ کیلوولت شرکت برق منطقه ای خوزستن، در مصاحبه با خبرنگار پیک برق خوزستان، با بیان این مطلب اظهار داشت: ساخت این ایستگاه با هدف تأمین انرژی برق پایدار واحد های شهرک صنعتی خرمشهر صورت گرفته است. مهندس برادران خاطر نشان کرد: اجرای این طرح با توجه به احداث منطقه ویژه اقتصادی آبادان وخرمشهر در آینده در توسعه وضعیت اقتصادی وصنایع اشتغال زادر منطقه ، نقش بسزایی را ایفا خواهد کرد. وی با اشاره به این نکته که "کلیه مراحل مطالعات، طراحی واجرای ایستگاه ۱۳۲/۳۳ کیلوولت خرمشهر توسط پیمانکاران داخلی صورت گرفته است". هزینه پیش بینی شده برای اجرای این پروژه را ۱۶۱ میلیارد و ۲۶۰ میلیون ریال اعلام کرد وافزود: تاکنون بیش از ۱۳ میلیارد ریال ازاین مبلغ که محل اعتبارات طرحهای عمرانی شرکت برق منطقه ای خوزستان اختصاص یافته ، هزینه شده است. وی ادامه داد: این پست دارای دوترانس ۱۳۲/۳۳ کلیوولت با ظرفیت هر کدام ۳۰ مگاولت آمپر ، ۶ فیدر خروجی ۳۳ و۳ بی ۱۳۲ کیلوولت می باشد که بوسیله خط دومداره ۱۳۲ کیلولت از ایستگاه ۴۰۰ کیلوولت میلاد آبادان تغذیه وبه شبکه سراسری برق متصل می شود. براساس این گزارش، تا کنون عملیات اجرایی پرژه مذکور حدود ۹۰ در صد پیشرفت فیزیکی داشته است وپیش بینی می شود اواخر مردادماه جاری به بهره برداری برسد. گفتنی است عملیات ساختمانی پست ۱۳۲/۳۳ کیلوولت خرمشهر ۳ در نیمه دوم سال ۸۲ وعملیات اجرایی ونصب تجهیزات آن در سال جاری در زمینی به مساحت ۱۰ هزار متر مربع واقع در کیلو متر ۵ جاده شهرک صنعتی خرمشهر انجام شده است.

به نخبگان جامعه خصوصاً هنرمندان باید توجه بیشتری کرد

معاون سیاسی امنیتی استانداری خوزستان ومدیر کل ارشاد اسلامی خوزستان از پروژه های در حال احداث موزه هنرهای معاصر وکتابخانه مرکزی اهواز بازدید کردند. به گزارش روابط عمومی استانداری خوزستان دکتر سید مرتضی افقه در حین این بازدید ضمن اشاره به اهمیت توجه به فرهیختگان ونخبگان جامعه گفت: چنانچه بخواهیم در مسیر توسعه وپیشرفت همه جانبه کشور قدم برداریم، ناگزیریم که توجه بیشتری به قشر نخبه جامعه ، خصوصاً هنرمندان داشته باشیم. معاون سیاسی وامنیتی استانداری افزود، مسئله پرورش نخبگان وایجاد جریانهای فکری پویا در جامعه امروز ایران از مهمترین پیش فرضهای توسعه است وما باید برای رسیدن به این هدف آرمانی، نه تنها از هیچ کمکی فرو گذار نکنیم بلکه در تقویت نهادهای فرهنگ ساز ومتولیان امر توسعه فرهنگی جامعه بیش از پیش مساعدت کنیم. وی با تاکید بر لزوم سرمایه گذاری برای توسعه فضاهای فرهنگی شهر اهواز افزود، بنظر می رسد تخصیص اعتبار برای تکمیل وبهره برداری هر چه سریعتر از این پروژه ها ضروری است وامیدوارم با پیگیری این اتفاق درزمان لازم محقق شود. درادامه این بازدید آقای آژنگ مدیر کل ارشاد استان گزارشی رادرزمینه پیشرفت فیزیکی این دو پروژه وتعطیلی مکرر آن توسط بعضی از دستگاههای ارائه دادند. موزه هنرهای معاصر در مساحتی بالغ ۱۱۰۰۰ متر مربع وزیر بنا ۵۰۰۰ متر مربع از نوع سازه بتنی وسنگ نما صورتی بجستان درشرق رودخانه کارون جنب فروشگاه رفاه در حال احداث است. این پروژه از سال ۷۹ شروع بکار نموده واعتبار مورد نیاز آن ۲۳/۰۰۰ میلیون ریال است وتا کنون ۹۰۰۰ میلیون ریال دراین پروژه هزینه شده است. فضاهای موجود درموزه هنرهای معاصر شامل سه گالری، سالن واتاق تشریفات، اطلاعات، بخش اداری وآموزشی، سرسراهای کناری ومیانی، رستوران، تریا، آرشیو، تاسیسات وکتابخانه مرکزی اهواز در مساحتی بالغ بر ۱۳۰۰۰ متر مربع وزیر بنا ۷۰۸۷ متر مربع از نوع اسکلت بتنی وسنگ ترکیبی در غرب رودخانه کارون ودر محوطه پارک دولت کیانپارس درحال احداث است.

اعتبار مورد نیاز آن ۲۰/۰۰۰ میلیون ریال واعتبار هزینه شده آن تا کنون ۱۰/۰۰۰ میلیون ریال می باشد. فضاهای موجود کتابخانه مرکزی اهواز سالن اجتماعات با گنجایش ۳۵۰ نفر، بخش مخزن، آرشیو، صحافی، اداری، نماز خانه، بخش کودکان، تریا، سرسرا ، تازه های کتاب ، سالنهای مطالعه می باشد.

کمرائی معاون امور عمرانی استانداری

مدیر باید بداند چگونه کاروبرنامه ریزی کند

جلسه کمیته زیربنائی استان به ریاست مهندس کمرائی معاون امور عمرانی استانداری وبا حضور مدیران دستگاههای اجرائی در استانداری تشکیل شد.

به گزارش روابط عمومی استانداری خوزستان دراین جلسه مهندس کمرائی با اشاره به سند توسعه ملی استان گفت: مدیران مابابد تلاش کنند، برنامه ای منظم وشفاف از وضعیت موجود استان وبرنامه های آینده استان تهیه وپس از تصویب در شورای برنامه ریزی استان به دولت تقدیم شود.

وی افزود، دراین رابطه مدیر ما دراستان باید بداند که چگونه می تواند کاروبرنامه ریزی کند واولویت بندی نمایند. معاون عمرانی استان ادامه داد، ما از مجموع ۲۱۲۰ روستای استان ۱۲٪ راه و۱۰٪ بهسازی روستائی شده اند وبقیه فاقد آن هستند. وی افزود، دردنیا استاندارد جاده ای در ۱۰۰ کیلومترمربع ۲۵ کیلومتر درکشور ۱۲ کیلو متر ودر استان ۷ کیلومتر است که باید دریک برنامه ۵ ساله به وضعیت مطلوب برسیم وهمه اینها راباید در سند ملی توسعه استان مدنظر قراردهیم.

معاون عمرانی استاندار ادامه داد دستگاههای اجرائی برای جلسه آینده اولویتهای خودرااز لحاظ کمی وریالی تهیه وهدف گذاری خودرادر برنامه ها ی پیشنهادی اعلام نمایندتا درکمیته زیربنائی وتوسعه استان مورد آن تصمیم گیری شود. درادامه این جلسه آقای حاجتی نماینده سازمان مدیریت وبرنامه ریزی استان توضیحاتی رادرمورد سند ملی استان ونحوه ارائه پیشنهادات وبرنامه های مدیران اجرائی رابه جلسه ارائه دادند.

مآثر العرب العلميه أساس حضاره الغرب

ان الهدف من هذا العمود يرمى الى قصدين:
الأول الشاره الى مجهود علماء العرب والمسلمين العلمى الذى كان نتيجته ابكاراتهم الفكريه ونتاج عقولهم الشخصى وما لهذه الابتكارات من نتائج قيمه ساهمت فى تقدم العلم عامه والنهضه العلميه فى اوروبا.
الثانى:اعلام كافه العرب والمسلمين اللذين يجهلون عبقريه علمائهم وتراث أجدادهم كما أود اعلام علماء الغرب اللذين تجاهلوا تراث العرب العلمى فيما فى تقدم العلم عندهم.

أصل العرب

سكن الجزيره العربيه قوم عرفوا منذ فجر التاريخ "بالعرب"، وقد جرب عدد من المستشرقين (المستعربين) أن يضعوا غيمه من الشك والريب حول اصل العرب واصل تسميتهم. فقد أورد المؤرخ برنارد لويس في كتابه "العرب في التاريخ" أن كلمه عرب تحدرت من كلمه "عراب" وهى كلمه آراميه تعنى "غرب" وكانت تطلق على القبائل التى تسكن غرب نهر الفرات. أما "ول دورانت" فقد ذكر فى كتابه "تاريخ الحضاره History of Civilization" ان كلمه عرب متحدره من كلمه "عراب" أو أعاريب و تعنى سكان الباديه. والذى يقرأ تاريخ اليونان والرومان يعلم انهم ذكروا فى تدوين تاريخهم ان العرب هم سكان الجزيره العربيه ولهذا السبب سميت بلادهم "بجزيره العرب".

دلت الحفريات الحديثه على أسماء عربيه وردت فى التاريخ القديم وهى ان "جنديبو العربى" قد ساهم بالمال والرجال لكسر الملک شلمانصر الثالث ملک الاشوريين عام ۸۵۳ق.م وذلک عند ما اعلن (شلمانصر) الحرب على ملک دمشق الآرامى وقد دارت معركه قرب "قرقر" القريبه من حماه، ولقد كانت مساعده جنديبو لملک دمشق ذات فائده كبيره رجحت المعركه لصالح الآراميين وتسببت فى هزيمه الملک "شلما نصر" الاشورى.

ودلت بعض الحفريات الذى يرجع تاريخها الى القرن السادس قبل الميلاد ان أصل الاسوريين والكلدان واليهود من سكان الجزيره العربيه وقد هاجرت هذه القبائل على مر الدهور الى ما بين النهرين، وزياده على هذا القول فقد دلت بعض الحفريات فى ايران والتى يرجع تاريخها الى ۵۳۰م ان العرب هم سكان الجزيره العربيه ولهذا سميت باسمهم.

وكل من يدرس التاريخ العربى يعلم ان قبائل الباديه الشام قد نزحت من اليمن ومنهم الغساسنه والمناذره وأهل تدمر، وقد انضمت تحت لواء العربيه قبائل كثيره قديكون اصلها عربى أو غير عربى اندمجت بحكم البيئه مع الواقع العربى. وقبيل تأليف الجامعه العربيه حديثا اجتمع زعماء العرب وحدوا كلمه "عربى" فكان تعريفهم لهذه الكلمه هو:

(كل من يسكن بلادنا ويتكلم لغتنا ونشأ وتثقف بثقافتنا ويعتز بمجدنا وتاريخنا هو منا ونحن له) وكما قلنا فى مقدمه هذا الكتاب فقد دخلت فى أمه العرب أجناس متفاوته وعناصر مختلفه وأديان متفرقه بعد الفتوحات الاسلاميه وعلى مر العصور القديمه، وما أن جاء القرن الثامن حتى أصبحت هذه الفروق من عنصريات وأجناس متباينه تحت رايه الاسلام والعرب وهكذا اصبحت جميع الامم التى تسكن البلاد العربيه فى الشرق الادنى هى امه واحده وتحت لواء واحد.

لقد أوردت كتب العرب التاريخيه: أنه قطن بلاد العرب قديما قبائل لم يذكر التاريخ عنها شيئاً. أما كيف جاءت هذه القبائل وكيف تلاشت وما هو أصلها قد بقى سرا مكتوما فى بطن التاريخ. غير اننا نعلم سكن بلاد اليمن - قبل ان نعرف شيئاً عن سكان الجزيره العربيه - قوم يعرفون بالسبائيين تلاهم الحميرون بعد ان انطمست معالهم. وقد خلّف هؤلاء القوم آثاراً مكنتنا من معرفه أشياء كثيره عن حياتهم اليوميه وعن طرق معيشهم ولغتهم وتجارتهم ومساكنهم.

تناقلت أساطير العرب قبائل عربيه بائده لم يترک لنا تاريخ عنها شيئاً سوى اسمها، فقد ورد فى "القرآن الكريم" أن القبائل البائده كانت تدعى "عاداً" وثموراً". وقد تلاشت وعرفت عند العرب "بالعرب البائده، أما "العرب الباقيه" فقد تحدرت من قبيلتين هما "طسم" و جديس" حيث تحدر منهما العرب "العاربه" والعرب" المستعربه فالعرب العاربه تحدرت من "قحطان" وهؤلاء يسكنون اليمن وحضرت موت وعُمان، اما العرب "المستعربه" فقد تحدرت من "عدنان" ابن اسماعيل ابن ابراهيم الخليل. وهؤلاء يسكنون الحجاز ونجد والبتراء وباديه الشام وتدمر وجنوب العراق حول الخليج العربى - الفارسى.

وخارج عن مجال الجدل فان سكان الجزيره العربيه قوم ساميون يتحدرون من نسل سام بن نوح. عاش سكان هذه الجزيره عيشه البداوه فى صحراء متراميه الأطراف بالرغم من ان هذه الجزيره تحبط بها المياه من ثلاثه أطراف وقد استقر أخيراً رأى المستشرقين والذين درسوا أحوال الجزيره العربيه وسكانها على أنها موطن العرب والساميه. وان أهلها كلما كثروا نزحوا نحو الشمال الى ما بين النهرين او باديه الشام وسوريا، بدلا من النزوح الى مصر او شمال افريقيا. وهذا أمر طبيعى لأن السفر براً على ظهور الجمال أو الخيل متوفر لهم أكثر من ركوب البحر والسفر الى مصر آنذاک، وقد استدل العلماء فى علم الأجناس أن بلاد العرب كانت منبع الأمم الساميه فقد أدخلو تحت لوائها الاشوريين والكلدانيين والاراميين والانباط وان جميع جذور هذه الأمم نبتت فى الأراضى الجزيره العربيه وصحاريها.

أما سكان باديه الشام وهم الغساسنه وسكان جنوب العراق والحيره هم اللخميون وحتى اهل يثرب "المدينه المنوره" وخلاصه الأنصار هم من اليمن وكذلک أهل الحجاز وقبائل قريش ونزار هم من اهم العرب المستعربه المتحدره من قبيله جديس وهى من نسل عدنان بن اسماعيل بن ابراهيم.

مهندس حمادی معاون حمل ونقل وترافیک شهر اهواز

مسافر کش های شخصی با نصب کد وتعیین مسیر تردد ساماندهی میشوند

معاون حمل ونقل وترافیک شهر اهواز گفت :برای اولین بار در شهر اهواز وبا مشارکت بخش خصوصی ،مسافر کش های شخصی با نصب کد وتعیین مسیر تردد ساماندهی میشوند

به گزارش روابط عمومی وامور بین المللی شهرداری اهواز:عبد النبی حمادی افزود:تا کنون جهت اجرای این طرح ششصد دستگاه مسافرکش شخصی شناسایی وبه مراجع ذی صلاح معرفی شدند.

وی هدف از اجرای این طرح رااجرای مصوبات شورای هماهنگی ترافیک کشور،تکریم شهروندان،رانندگان وایجاد امنیت در تردد خانواده ها ذکر کرد.

معاون حمل ونقل وترافیک شهرداری اهواز شرکت کلیه خودروها ی شخصی این طرح را الزامی دانست وتصریح کرد:در غیر اینصورت ،رانندگان پس از هردور زدن یکصد هزار ریال جریمه میشوند.

حمادی نصب کد بر روی شیشه های خودرو ها را به عنوان شناسنامه خودروها ورانندگان عنوان کرد وگفت:این طرح از هفته گذشته آغاز شده و کما کان نیز ادامه دارد .

وی افزود :بزودی نیز کیوسک های در ایستگاههای مبدا ومقصد جهت رفاه حال رانندگان ومسافران احداث خواهد شد.

وی این کیوسکها را دارای امکاناتی مانند تلفن،آب ومسائل رفاهی رانندگان وشهروندان ذکر کرد وافزود:با احداث این کیوسک ها شهروندان ورانندگان علاوه بر استفاده از تلفن در مواقع ضروری،برخی نیازهای فوری آنها نیز تأمین میشود.

لقاء خاص مع الأستاذ الدكتور عباس العباسى الطائى

القسم الاول

مقدمه

ولد عام ۱۹۳۵ ميلادى فى قرى» «ابو چلاچ» التابع» لقضاء البسيتين فى أسره عرفت بحبها للشعر واهتمامها بالأدب وتابع الثانويه فى الناحيه نفسها (البسيتين) ثم دخل دار المعلمين وتخرج معلماً ثم دخل جامعه جندى سابور (الشهيد چمران) وتخرج فى فرع اللغه والأدب الفارسى ثم دخل جامعه اصفهان وأتم البكالريوس فى فرع اللغه والأدب العربى ثم سافر الى مصر ودخل جامعه الأزهر فى قسم اللغات وعندما اندلعت الثوره الاسلاميه فى ايران عاد ولم يكمل الدوره فى الماجستير وفى ايران درس الماجستير فى الأدب العربى وحصل على الدكتوراه بعد ثلاث سنين من جامعه طهران المركزيه.

عمل أستاذاً للغه العربيه وآدابها فى الثانويات والمراكز العلميه والمعاهد ودور المعلمين وبع حصوله على الماجستير التحق عضواً فى الهيئات التدريسيه بجامعه عبادان وكانيشغل رئاسه قسم اللغه والأدب العربى فيها طيلهخمس سنوات قدم خلالها خدمات جليله وأعد كثيراً من الشباب ليكونوا طليعه أدبيه فى المنطقه. له ثلاث دواوين شعريه فى الشعر الفصيح والشعبى والفارسى جاهزه للطبع وعده مسرحيات و كتب فى اللغه والأدب منها كتاب (تاريخ الأدب العربى فى الأهواز) فى مجلدين.

ومعجم (المرشد) ومسرحيه (مصيبه الحلاج) وترجم كتاب قصه الناس والحجاره لرشاد أبى شاور وكتاب (اليمين واليسار) باضافه الى الكثير من المقالات والقصص والقصائد التى نشرتها الصحافه المحليه والعالميه.

غنى عن التعريف وقد ارتبط اسمه بالشعر والأدب والثقافه الأهوازيه. هو الأستاذ الدكتور عباس العباسى الطائى الشاعر و الناقد و الكاتب و الصحفى. التقيناه وفاجأناه - على خلاف العاده - بالاسئله من آخرها اذكان من المفروض أن نبدأ عن الشعر والأدب. لكننا هكذا بدأنا:

صوت الشعب: ماالذى يشغل بالک فى الوقت الحاضر؟

الدكتور الطائى: ما يؤلمنى، هذا الذهول بل هذا الخمول المخيم على مجتمعنا ويشغلنى سؤالٌ ملحٌ لجوج يطرق عقلى وفكرى بمطرقه بلا هواده: «أين نحن من هذا الركب العالمىّ السائر بهذه السرعه المذهله»!

صوت الشعب: ماذا تريد بهذا السؤال؟

الدكتور الطائى: أن يردّده أبناء مجتمعنا لتتكاثر اصداؤه فتصبح الاجابه عليه حاجةً ملحة ماسّةً.

صوت الشعب: ومن المسؤول عن الاجابه على هذا السؤال: «أين نحن....»؟!

الدكتور الطائى: الجميع!

صوت الشعب: وعلى من يقع العبأ الاثقل؟!!

الدكتور الطائى: هو أعلم منّى ومنک بذلک!

صوت الشعب: أراک تريد التغيير! ولكنِ، هل هوالتطور، وهل انت مبهور بعض الشى؟

الدكتور عباس العباسى الطائى: سبحان من لا يتغيّر! هناک قولٌ للكاتب المسرحىّ الروسى "تشيخوف" فى مسرحيه (بستان الكرز) يقول: «فليسرع كلّ شى بالزوال والتغيير على وجه السرعه حياتنا اللعينه التعيسه هذه»

صوت الشعب: أراک متشائماً هذه المره؟ ماالسّبب؟

الدكتور الطائى: ليس هذا تشاؤماً، باواقعيّه، وان لم يكن فى كل شى فنحن لدينا ما نعتزّبه من دين وقيم واخلاق، لكن هذه القيم مهدده بالخطر وحتى هذا الدين الذى نعتز به ايضاً مادمنا على هذا الذهول، مادمنا نعيش هذه العيشه الى معشيه. انّ هذه الحياه تأخذ منّا ولا تعطينا، نحن فيها نتآكل ونتناقص كلّ يوم انّها المأساه فى القرن الواحد والعشرين، أن يعيش الانسان حياه المسافر فى قطار من الدرجه ما تحت الصفر كى يصل الى المحطه الأخيره.

محطه الموت. أما أنّنى مبهورٌ فقد أكون لذلک، ولكن لى أسبابى لهذا الانهيار.

صوت الشعب: وما هى الاسباب فى رأيک؟

الدكتور الطائى: فى مثل هذه المآسى لا يمكن أن نكتفى بذكر شى ونغفل عن أشياء كثيره، الاّ جاءت الاجابه! ناقصه، وليس كلّ مايعرف يقال: فعندما تجد نفسک أمام ايام ظروف صعبه لا انتهاء لها فكيف لا تصاب بالانبهار؟ بل حتى بالارتباک؟!

صوت الشعب: هل تفصحُ لنا عمّا فى خلدک؟ ومن هو هذا العدوّ؟

الدكتور الطائى: لا حاجه للافصاح، كلّ شى واضح، منذ اكثر من قرن ونحن نعيش هذه الحياه «التعيسه» بكلّ مفهوم الكلمه، فقد رأينا ما رأينا من المصائب من البطش والاحباط فى ظلّ تعسف النظام البهلوىّ المقبور، ثم جاءت الثوره الاسلاميّه وانصهرنا بها دماً ولحماً ومازلنا معها وبها، لكننا لم تتغير كثيراً. والآن نحن وهذه التطورات الخطيره فى المنطقه، فكيف لا يصاب الانسان بالدوار!

صوت الشعب: لماذا لم تتغيير؟

الدكتور عباس العباسى الطائى: لأننّا، مازلنا نعيش فى الماضى، ومادام الماضى يسير أمامنا، فلا يمكن أن نبنى مستقبلاً يمشى خلف الماضى، مهما كان الماضى عظيماً. لأنّه ميت، ولا يمكن للأحياء أن يعيشوا مع الاموات وما أجمل ما قال الشاعر العربى الاندلسى ابن دراج القسطلى

«ألم تعلمى، أنّ الثواء (التوقف) هو الثوى (الهلاک)

وأنّ بيوت العاجزين قبور»

صوت الشعب: لكن التراث من مقومات المستقبل؟

الدكتور الطائى: أنا لا انكر ذلک، نعم يمكننا أن نوظّف تجارب الماضى فى بناء المستقبل، وذلک فى ما يخصّ الفنون والآداب والثقافه بشكل عام. ولكنّ هل نستطيع أن نؤسّس كلّ شى على الماضى؟

هل من المقبول أن نبقى نتغنى بالمعلّقات السّبع؟ وهل تصبح كما قال الشاعر عن قبيله تغلب

ألهى بنى تغلب عن كلّ مكرمه

"قصيدةٌ قالهاُ عمروبن كلثوم".

صوت الشعب: لعلک منفعلٌ هذه المره! أنت الذى كنت تعلق على الشعر والادب آمالاً كثيره، كيف تقول هذا؟

الدكتور الطايى: ومازلت أعلق الآمال، ولكن الشعر ليس كل شى هناک مجالات للتقدّم عديده، وعلى كلِّ فرد منا أن يبحث عن مجاله.

صوت الشعب: كيف نستطيع أن نوظّف الشعر والادب فى خدمه المجتمع. وفى مثل هذه الظروف الرّاهنه.

الدكتور الطايى: ها أنت بدأت تدخل فى صلب الموضوع. أما الظروف الراهنه، فلها اهلها ولا ينبغى أن تلهينا عن واجبا تنا

مع كلّ فداحتها وضرواتها - فقد شغلتنا الحرب العراقيه الايرانيه المفروضه على شعبنا وشتتنا طرائق واصبحنا مره ثانيه" ايدى سبأ" ثم الهتنا حرب الكويت، والآن احتلال العراق، كانت فلسطين شغلنا الشاغل ولا تزال كذلک وقلوبنا تهتز مع كل صيحه فلسطينيه، ولكن، ماذنب اولادنا واحفادنا؟!

وأما كيف أن نوظف الادب فى خدمه المجتمع، لا ينبغى أن يغيب عن بالک أنّ الادب ليس شطيرةً (ساندويش) تلفها فى ورق ملّون وتقدّمها لولدک. الادب الصّراحُ ينمو مع خلايا أولادنا، ويقوى عضلات ادمغتهم ويبعث النور فى عيونهم، دون أن نشعر ويشعروا.

صوت الشعب: ما ذا تريد؟

الدكتور الطائى: أريد كما قال الشاعر العربىّ الطغرائى (۵۴۴ه ق):

«أريد سبطه كفّ أستعينُ بها

على قضاء حقوقٌ للعلى قبلى»

أنت تعلم يا أخى أنّنا مطالبون اليوم وغداً نشتنا أو أبناء، فقد وضعتنا الظروف فى مثل هذا الموضع، وان لم ندعيه. وهذا ما يجعلنا نبحث عن مخرج من هذا المأزق الحرج. ولذلک نتوجّهُ الى ذوى المسؤوليات الملتزمين الواعين أن يمدّوا الايدالعون بما يساعدنا على جمع أدبنا الذى هو من روافد الادب الاسلامى فى هذه الاسلاميه بل من اهمّ ينابيعها. ولسنا بحاجه الى ذكر دور الادب الاسلامى الشيعىّ فى العصر المشعشعى وما قدمّه من انجازات فقد أشار اليها قائد الثوره الاسلاميه آيه الله العظمى السيد الخامنه اى فى زيارته التفقديّه لمحافظه خوزستان ولدى لقائه التاريخى بالشعراء العرب فى هذه المنطقه.

صوت الشعب: ما هو مشروعک وكيف يكون العمل عليه؟

الدكتور الطائى: لدىّ مشروع (طرح) تاسيس مؤسسه لنشر الادب العربىّ الاسلامى فى خوزستان. يتناول الادب العربى فى هذه المنطقه من جذوره حتى يومنا هذا ولتكن هذه المؤسسه تحت اشراف دائره الثقافه و الارشاد الاسلاميه.

ولكن تحت شروط «فالاذن بالشى اذنٌ فى لوازمه»

صوت الشعب: وما هى هذه الشروط؟

الدكتور الطائى: اولاً: حسن النيّه، اذ نحن أثبتنا حسن نوايانا تاريخيًا" وعفا الله عما سلف

ثانياً: أن يعرف من يهمّه الامر كنه هذا العمل البناء وأن يتفهّمه والأيثار بالهمزات واللّمزات التى يلمّح بها ذوى القلوب المريضه.

ثالثاً: أن يعلموا أن الادب العربى فى هذا المنطقه مظلوم وانّه يعيش فى البرزخ، فلا العرب يهتمون به لأنهم يعتبرونه جزءً من الادب العربى الذى نما و ترعرع فى ايران، ولا الايرانيون يهتمون به وذلک لأسباب لا مجال للبتّ فيها هنا

يتبع

الحاج ابراهيم العامرى:

سنعمل على احياء الأنسجة البائدة فى مدينة الأهواز

الحاج ابراهيم العامرى: احياء الأنسجه البائده فى مدينه الأهواز استناداً الى تقرير العلاقات العامه لبلديه الأهواز قال السيد ابراهيم العامرى المساعد. فى الشئون الثقافه والاجتماعيه لبلديه الأهواز قال حول اعاده اعمار الأحياء القديمه فى الأهواز: هناک بعض الموافقات التى حصلنا على من قبل بعض الدوائر القديمه التى يفوق عمر انشاءها اكثر من ستين عاماً من أجل شراءها لكى نحدث مكانها أماكن جديده أو مشاريع اعماريه جديده وحديثه. ومن خلال هذا العمل أى تملک هذه الأرض نستطيع أن نحصل على المئات من فرص العمل والوضع الصّحى المطلوب. ثم أضاف قائلاً: ان امتلاک هذه الأرض قديم بمساعده القطاع الخاص وقد بدأت عمليه انشاء ثلاث سويقات فى مركز المدينه.

وأشار الحاج ابراهيم العامرى الى اهم مشاريع البلديه وقال: من أهم برامج بلديه الأهواز العمل على تطوير واعمار المحلات التى تتواجد فيها ورش العمل (كارگاهها) وخاصه فى منطقه الصياحى والمحلات الواقعه على الطريق الرئيسى لآيه الله بهبهانى وأماكن أخرى. حيث دخلنا مع آصحاب الأملاک فى المشاورات اللازمه بهذا الشأن. هذا وقد أكد العامرى مساعد البلديه فى الشئون الثقافيه والاجتماعيه على تأمين حاجه المواطن للامكانيات الرفاهيه فى الأماكن اللازمه والمختلفه من المدينه واضاف قائلاً: فى العام الحالى ستزدادالمساحات الخضراء فى الأهواز ۵۰۰ هكتار بمساعده كل من شركه الفولاذ والنفط مفوضيه الاعمار لمحافظه خوزستان وبذلک تصبح ميزانيه المساحات الخضراء اكثر من ۴ أمتار. ثم أشار الى اعمار مداخل المدينه وقال: للمره الأولى خلال السنتين الماضيين تمت عمليه احداث واعمار مداخل مدينه الأهواز الى مدن أنديمشک ومسجد سليمان وماهشهر وآبادان (عبادان) وسوسنگرد (الخفاجيه) وستنتهى هذه العمليات ان شاءالله. وفى ختام تقريره أضاف السيد ابراهيم العامرى قائلاً: سنحاول السيطره على حل مشكله الازدحام فى المرور من خلال اتخاذ بعض الأجرءآت وكذلک من خلال استقرار مديره الحمل والنقل ومديريه المصلحه (اتوبوسرانى) وسيارات الأجره محطات الباصات فى بنايه واحده من أجل التنسيق الأكثر والأدقّ فى حل هذه المشاكل.

ظاهرة العنف السياسى

صلاح سالمى

العنف كظاهره اجتماعيه أصبح مثاراً للجدل و النقاش و خضع لدراسات سيكولوجيه و سوسيولوجيه من قبل العديد من المفكرين، خصوصاً بعد الحادى عشر من سبتمبر ۲۰۰۱ و استهداف برجى منظمه التجاره العالميه اذ أصبح الخلط واضحاً بين العنف و الارهاب و غيرها من المصطلحات.

و لكن ما هو العنف؟ هل هو خيار أو اجراء مؤقت و ظرفى أم رد فعل أم نمط سلوكى كامن فى صميم شخصيه الانسان؟

هل العنف يمتلک المشروعيه أم انه يفتقدها؟ ما هى أبعاد العنف؟ ماذا يعنى العنف المضاد؟ ما هى أسباب العنف و العنف المضاد؟ و كيف يمكن أن نعالج العنف؟

طبعاً لست بصدد احاطه الموضوع احاطه شامله و لكنى أحاول أن أجيب على بعض الأسئله المطروحه أعلاه. و أرى أن أبدأ بمفهوم العنف لغوياً:

مفهوم العنف:

يعرف ابن منظور فى لسان العرب العنف على أنه «الخرق بالأمر و قله الرفق به و هو ضد الرفق» و يعرفه أبو هلال العسكرى فى كتاب الفروق بأنه «التشديد فى التوصل الى المطلوب» و يعرفه محمد قلعجى فى معجم لغه الفقهاء بأنه «معالجه الأمور بالشده و الغلظه»

هذا بعض ما ورد فى المعاجم اللغويه فى تعريف العنف و لكن العنف بمفهومه الحديث كترجمه لكلمه violence اللاتينيه له تعاريف أخرى:

يقول الدكتور مصطفى الحجازى: ان العنف هو لغه التخاطب الأخيره الممكنه مع الواقع و مع الآخرين حين يحس المرء بالعجز عن ايصال صوته بوسائل الحوار العادى و حين تترسخ القناعه لديه بالفشل فى اقناعهم بالاعتراف بكيانه و قيمته.

أما الدكتور علاءالدين القبانجى فيقول: العنف صوره من صور القصور الذهنى حيال موقف، و العنف وجهٌ آخر من أوجه النقص التقنى فى الأسلوب و الابداع فى حل و مواجهه معضله.

أما تعريف العنف برأى ايسنارد فهو نتاج مأزق علائقى بحيث يصيب التدمير ذات الشخص فى نفس الوقت الذى ينصب فيه على الآخر لابادته فتشكل العدوانيه طريقه معينه للدخول فى علاقه مع الآخر.

كما يشير الدكتور حسنين توفيق ابراهيم فى كتابه ظاهره العنف السياسى فى النظم العربيه الى أن العنف هو ظاهره مركبه لها جوانبها السياسيه و الاقتصاديه و الاجتماعيه و النفسيه و هو ظاهره عامه تعرفها كل المجتمعات البشريه بدرجات متفاوته.

سأترک أبعاد العنف المختلفه و أتناول الجانب السياسى من العنف لما لهذا الجانب من أهميه و خطوره على الاستقرار الاجتماعى و التنميه.

العنف السياسى:

بينما يرفض البعض العنف بصوره قطعيه يصنف البعض الآخر العنف الى عنف شرعى و عنف غير مشروع. فالعنف الشرعى هو استعمال القوه لانتزاع الحقوق أو لاقرارها على النحو الذى يرفع الظلم و غالباً ما يكون هذا العنف ضد الاحتلال أو الظلم الاجتماعى و الاستبداد. أما العنف غير المشروع فهو استعمال القوه للاحتفاظ بحق مزعوم أو لانتزاع حق قابل لأن ينتزع من غير عنف.

و الحديث فى مقالى هذا عن العنف اللاشرعى ألذى يقسم بدوره الى قسمين:

الأول هو العنف المادى و هو الذى يلحق الضرر فيزيائياً فى البدن أو الحقوق أو المصالح أو الأمن أما الثانى فهو العنف الرمزى و هو الذى يلحق الضرر سايكولوجياً أى فى الكرامه و الاعتبار و التوازن.

ان العنف الرمزى ليس أقل اضراراً من العنف المادى بسبب ما يحدثه من أذى نفسى بليغ و غالباً ما يجرى هذا العنف فى الحملات الانتخابيه و فى هذا النوع من العنف يكون العدوان ضد الكرامه الانسانيه و تلحق الهزيمه بالرقيب معنوياً. ربما يعتقد البعض بان هذا شىء طبيعى فى مجال المنافسه و لكن هذا غير صحيح الا فى المجتمعات ألتى تفتقر الى الاخلاق السياسيه الحديثه. و يعتقد الدكتور عبدالاله بلقزيز بان للعنف أشكالاً منها ما يصيب المجتمع بأسره مثل اهدار الحريات العامه و الخاصه و احتكار المجال السياسى و منع تشكيل الأحزاب و منع التعدديه و الحريه فى التعبير و... و منها ما يصيب جزءاً من المجتمع كالاعتداء على حقوق جزء من المواطنين كالاقليات العرقيه و الدينيه و الانتقاص من حقوقهم بحيث تبدو مواطنتهم منقوصه.

و فى مثل هذه الظروف يظهر العنف المضاد كرد فعل و كتعبير عن أزمه اجتماعيه. فحاله الانسداد و الاخفاق السياسى و عجز الدول عن تقديم أجوبه لمطالب كالنهضه و التقدم و الديموقراطيه تسلب الشرعيه من هذه الدول وعندما يفقد النظام شرعيته يميل الى القوه و ممارسه أنواع العنف و هكذا يلتجى المجتمع الى العنف للدفاع عن نفسه عندما يرى أن المجال السياسى مغلق أمامه و مع استمرار هذه الحاله يتحول العنف من رد فعل الى نمط سلوكى ثابت و يتحول من أيديولوجيا سلطويه الى ثقافه.

بالاضافه الى العوامل التى ذكرناها بامكاننا أن نضيف عوامل أخرى للعنف منها حاله التهميش العامه و وجود فوارق طبقاتيه أى تمركز الثروه بيد أقليه مقابل جيش الجياع الذين يعيشون تحت خط الفقر بالمقاييس العالميه. فهناک صله بين ظاهره العنف و بين الوضع الاقتصادى يعنى آليه العنف تتحرک صعوداً و تصعيداً بالتناسب مع هبوط مؤشرات التنميه و تدهور معدلات التوازن فى توزيع الثروه.

أيضاً هناک عناصر أخرى مولده للعنف كعدم المساواه و النبذ الاجتماعى و اغتصاب الحقوق و اختلاف اللغه أو القهر اللغوى و عدم العداله فى بعض المواقف الاداريه و التربويه و القانونيه.

ان توافر الأسباب و العوامل التى ورد ذكرها بامكانه أن يشكل البنيه التحتيه للعنف و أن يكون قنبله قابله للانفجار.

ما الحل؟

مما لا شک فيه أن العنف يعتبر مؤشراً من مؤشرات الانهيار و الانزلاق الخطير فى المجتمع و انه أحد الاسباب الرئيسه لفشل مشاريع التنميه الاقتصاديه و الاجتماعيه و السياسيه و ان العنف. اللاشرعى. و تحت أى مبرر كان، يعد انتهاكاً صريحاً للنواميس الاجتماعيه التى حددت نمط التعاطى و التعامل فى العلاقات الاجتماعيه و السؤال الذى يطرح نفسه فى هذا السياق هو:

ما هى سبل الوقايه و العلاج لظاهره العنف؟

و الجواب يأتى وبكل بساطه:

ان الحل ليس فى البطش و القمع بل فى الغاء أسباب العنف السياسيه و الاقتصاديه و الاجتماعيه.

و الالغاء السياسى يتمثل فى فتح ملف الديموقراطيه و حقوق الانسان و زرع قيم الحريه و تجنب قيم القمع و التسلط و احتكار الرأى و يتمثل الالغاء الاقتصادى فى اعاده النظر فى السياسات التنمويه و التوزيع العادل للثروات و الامكانيات أما الالغاء الاجتماعى فيتمثل فى اعاده النظر فى النظام التربوى و تنميه ثقافه الحوار و التسامح و تمهيد أرضيه خصبه لتضارب الآراء و نمو الابداعات و نشاط الحركات الاجتماعيه.

هكذا يمكن للمجتمع أن ينهض و أن يتقدم و تتبلور طاقاته و يصبح ذا تأثير على التحولات العالميه الرهيبه و الا سحقته عجله التطور التى تزداد سرعتها يوماً بعد يوم.

الهوامش

١-العنف و الديموقراطيه .د. عبدالاله بلقزيز
٢-العنف، السايكولوجيه و العلاج .د. علاء الدين القبانجى
٣-العنف و الارهاب و الجهاد .... بشير البحرانى

الشريعه والتراث ما بين الافراط والتفريط

النظره الى الدين(۵)

القسم السابع

ناصر الجابری

Jabery-۶ @ hotmail.com

« كذلک وجعلناکم امّه وسطاً لتکونوا شهداء على الناس ويکون الرسول عليکم شهيداً» البقره - ۱۴۳

تنويه: سلسله بحوث تناول علاقه الناس والمجتمع بالشريعه والتراث واثر المجتمع على کليهما، نحاول من خلالها، تنقيح الشريعه (النظره السائده) من التقاليد الغير صحيحه والرؤيات الضيقه او الافراطيه ، ما ادّت الى تشويه سمعتها وخاصه التشيع، تنويهاً بأن الکاتب متمسک بالشيعه الاثنى عشريه ومکتب اهل البيت (ع) ويسعى لخدمه هذا المکتب ولا نيل منه والصدر رحبٌ للنقد.




يرى السيد رفسنجانى أن نظره علماء الدين والمسئولين الى الحياه والأمور الاجتماعيه ومضايقتهم وضغطهم الزائد والغير ضرورى،يؤدّى الى ردود فعل ومواجهه الناس وابتعادهم اکثر.أى «أن الانسان حريصٌ على مامُنع» ولکنه لا يقبل هذا المثل فى کلّ مکان وفى کل قضيّه.

«فى تحليل الظروف الحاليه، علينا أن لانبعد من النظر الى المضايقات والوساوس التى لامحّل لها.

ففى بعض الحالات تکون الأجواء الحاليّه رده فعل للضغوط الغير معقوله التى تمارس فى حق الناس)) [مجله الحکومه الاسلاميّه عدد۱۵سنه ۷۹صفحه ۳۵]. ثم يستمر السيد رفسنجانى بالقول ويحاول ضرب أمثله محدده فى هذا المجال،نقداً للوضع الموجود((تصّوروا أن خلافاً لحکم الاسلام تتعّين العباءه اجباراً کأحسن حاله للحجاب ويعامل بعنف وشده من يستهين بهذا الحکم .طيّب،هذه المعاملات ستنشىء ردود أفعال احساسيّه وروحيّه))[نفس المأخذصفحه ۳۵]((لو تجرى بعض المضايقات فى الجامعات و يتم الفصل بين الرجل والمرأه فى صف الدرس،او يعامل أستاذ الجامعه بطريقه غير اسلاميّه ان استعمل رباط العنق(الکروات)أو يعامل الذين يلبسون ثياباً بردن قصيره بطريقه غير اسلاميّه وعلى اى حال،نعمل المضايقات فى الأمور التى أباحها الله،فهذه المعاملات ليست بصالح الاسلام وستنشىء نتائج وتبعات سلبيّه و احدى نتائجها أنه سوف يتخّذ الناس تدريجياً، جرّاء هذه المضايقات ، حاله دفاعيه وحاله مواجهه .

لکنّنا اذا اعتدلنا بقدر ما أراد الاسلام منّا،ستکون مشاکلنا أقل))[نفس المأخذ صفحه ۳۶] ثم يلقى باللوم على بعض علماء الدين والمسئولين فى الحکومه بأنهم يتوقعون من الناس ان يعيشوا کما هم يعيشون.((البعض يتوقّع أنّ على الناس أن يعيشوا ويتعاملوا مع الآخرين مثلهم و لکن لننتبه،بأننا نحن انتخبنا بعض السنن والآداب وطريقه الحياه لأنفسنا، أعنى أنه لم يکن اجباراً من قبَل الدين على العمل واو عدم العمل به)).

((اذا أجرينا تحليلاً جامعاً لعامل ابتعاد الشباب[عن الدين والحکومه]سترون أن بعضها بسبب تنسکنا الغير ضرورى والوسواسى))[نفس المأخذ صفحه ۳۶] يقترح السيد رفسنجانى ما اقترحه کثير من المفکرين والمثقفين الجدد فى السا حه السياسيه

والثقافيه ولکن عانوا السجن والحصر وابعادهم عن المناصب والکتابه فى الصحف و المضايقات والضغوط الأخرى.((اننا لو روّجنا للدين السهل السمح واذا نظرنا الى الدين بهذه النظره، سوف تقّل المشاکل الاجتماعيه واستياء وابتعاد الطاقات من الحکومه،بل ستزيد الرغبه والميل والايمان))[نفس المأخذ صفحه ۳۸]

ثم يتطرق السيد رفسنجانى الى الرسائل العمليّه للمراجع أى رسائل توضيح المسائل والفتاوى وينتقصها قائلاً:((قسم من مباحث ومسائل الرسائل العمليه ،عرفيّه ولا تقع مسئوليه تشخيصها على الفقيه أى المرجع الدينى ،بل علينا أن ندع هذا الأمر للناس، أى على العلماء أن يوجهوا ويعلّموا الناس والناس انفسهم ينتخبون ولکن فى اکثر هذه القضايا، أصدرت فتاوى بدل العرف))[نفس المأخذصفحه ۳۸]

کما هو المعروف والمشهور فى العالم أن الجمهوريه الاسلاميّه فى ايران کانت بصدد اصدار ثورتها ان صح التعبير أو على الأقل نشر رؤيتها الاجتماعيه او السياسيه للدين الى العالم کافه ودول الشرق خاصه .ولکن من الواضح أن بناءاً على التطور الحاصل فى جميع جوانب الحياه فى العالم اليوم والرؤيه الحديثه للدين،يجب على رجال الدين والعلماء والمفکرين أن ينظروا بواقعيّه وشمول اکثر کى لا تقتصر رؤاهم وقراراتهم على الماضى والحاضر وانما برؤيه بعيده المدى، تعم المستقبل أيضاً. وهذا الامر واضحٌ فى کلام السيد رفسنجانى ((نتوقع من الآخرين أن يقبلوا مکتب الاسلام ،کدين خاتم وعالمى ،علينا أن ننتبه الى الظروف الزمانيه والمکانيّه ونعامل مع الأمور برأسمال قيّم وهو الفقه النشيط الحى،والا،لن ولم تستطع أن تتحمل بعض دول العالم خطابنا والاسلام))[نفس المأخذ صفحه ۴۰]

يتبع

....

من عيون الشعر

لا تأمنوا من بعد خيرٍ شرًّا
كم غُصْنٍ أخضر عاد جمرا
(ابن المعتز)

لى فى ضمير الدهر سرٌّ كامنٌ
لابُدَّ أن تستلّهُ الأقدارُ
ابوطالب المأمونى

يفرُّ من المنيه كلُّ حيٍّ
ولا ينجى من القدر الحذارُ
شاعر

المجدُ ان يحميک مجدک وحده
فى الناس ، لا شرطٌ ولا أنصارُ
(الجواهرى)

فصبرٌ جميلٌ انّ فى اليأس راحهً
اذاالغيثُ لم يمطربلادک ماطره
شاعر

تظلُّ الطيرُ تصفرُ آمنات
وللتغريد قد حبس الهزارُ
ابن الرومى

أعيرواخيلكم ثُمّ اركضوا
أحقُّ الخيل بالركض المعارُ
الطرماح

سيذكرُنى قومى اذا جدّ جدّهم
وفى الليله الظلماء يفتقد البدرُ
ابو فراس الحمدانى

وما السعادهُ فى الدنيا سوى شبحٍ
يُرجى وان صار جسماً ملّه البشرُ
جبران خليل جبران

انَّ العداوهَ تلقاها وان خفيت
كالعرّ يكمنُ حيناً ثُمّ ينتشر
الأخطل

وانىّ لتعرونى لذكراک هِزهٌ
كما انتقض العصفورُ بلّله القطرُ
مجنون ليلى

وربّماقالتِ العيون وقد
يَصدقُ فيها ويكذبُ النُّظرُ
المتنبى

....

من صفات حواء

صادحه: المغنيه
صباحه: جميله
صَبّه: عاشقه مشتاقه
صبحاء: وهى التى سوادها الى حمره
صبور: ضد الجزوع
صدآء: سوداء مشربه خمره
صعراء: مائله العنق
الصَّلطحه: العريضه
الصَّلقمُ: العجوز الكبيره
صمعاء: صغيره الأذن
صوراء: مائله العنق
صيهمه: ضخمه

عشتو...

عبدالرزاق راشدی

پائين محله عروسی بود، بالا محله هم عروسی بود. یکطرف عروسی عربا، یکطرف هم عروسی عجما. ساز وآواز، کیف چی ، بندری، مطرب، یکی دمبک می زد، یکی هم ساز ، یک عده می رقصیدند، یک عده یزله می کردند فالح هم به تیر برق کنار خیابان تکیه زده بود. موهایش راهم بیتلی زده بود. عطر بنت السودان هم بخودش زده بود. یکنفر که داشت می رفت عروسی گفت: فالح نمیای بریم عروسی؟فالح گفت: عروسی کی؟ طرف گفت: از ما بهترون. فالح گفت: انجب، کلب ابن الکلب العنصری. بعد طرف زبانش رابرای فالح در آوردو گفت: ی ی ی . ویعدهم الفرار.

پائين محله عروسی بود. بالا محله عروسی بود. صدای ساز وآواز هم بگوش می رسید. بیشتر بگوش فالح: عشتو راح فالح للفلاحیه، عشتو راح فالح ... فالح بدجوری عصبی شده بود. گرز با سورگش را روغن کاری کرد، نبش کوچه ایستاد، قدم می زدو می گفت: دوشقه اش می کنم. یکنفر از راه رسید گفت: دعواداری؟گفت: تو اول بگو. گفت: نه تو اول بگو. گفت: اگر بگم دعوا دارم تو چی میگی؟ گفت: من هم می گم ها که دارم !بعد او که اول گفت دعوا داری قصّه عبد بدوراکه تو ی دعوای بندری ها سرش بیست ونه بخیه خورده بود تعریف کرد وگفت: عمه بیامرز توی دعوا که حلوا تقسیم نمی کنن. بعد راهش راکشید ورفت. اما فالح همچنان گرزش را تکان می داد، راه می رفت وبدوبیراه می گفت وبعد می گفت: دوشقه اش می کنم. یکنفر گفت: چی گفتی؟ گفت: هیچ با تو نبودم ، دمبال شر می گردی!؟ بعد او که گفته بود چی گفتی راهش راکشید ورفت. اما عروسی همچنان برقرار بود. صدای دمبک، صدای چپک. صدای ترانه وآواز: عشتو راح فالح للفلاحیه، عشتو راح فالح...

فالح عصبانی شده بود. دست وپایش می لرزید. تصمیم گرفت به عروسی برود وبا گرز مغز خواننده را متلاشی کند.اول به عروسی عربا رفت. گوشه حیاط فالگوش ایستاد. اما دید یک نفر بندری می خواند وبقیه هم می رقصیدند. فالح خیلی تعجب کرد. با خودش گفت: یعنی چه!؟

بعد عروسی عربا را ترک کرد وبه عروسی عجما رفت.آنجا هم وضعیت به همین شکل بوداز تعجب داشت شاخ در می آورد. بعد دوباره به کوچه برگشت ،به کوچه که رسید، نزدیک تیر برق، توی میدون چه، توی بازار، همان صدا وآواز لعنتی را می شنید:

عشتو راح فالح ...

روز بعد وقتی داشتند فالح را دست وپا بسته می بردند ترانه دلنشینی را زیر لب زمزمه می کرد : عشتو راح فالح للفلاحیه

قالوا

اماطه الأذى عن الطريق صدقه
النبى الأكرم(ص)

أدب النفس خيرٌ من ادب الدرس
قول مأثور

اذا اردت ان تكون اديباً فتفنن فى العلوم
ابن قتيبه

اليک اليک يا بغداد عنّى
فانى لستُ منک ولست منى
معروف الرصافى

حُبُّک مدرستک، حبک اهلک ووطنک
مصطفى كامل

سرور الدنيا كأحلام النائم
ابن المقفع

انَّ الرَّحِم اذاتماسَّت تعاطفت
النبى الأكرم(ص)

الرنين الأجوف لا يصدر عن اناء ممتلى
نجيب محفوظ

ما اجمل الرمز أداه التفاهم والايحاء، انه روح اللغه الناطق بما يعجز عنه لسانها. ولكن الرمز هو غيرُ اللغز فاللغز لا يفهم ولا يوحى
جورج صيدح

اذا انت لم تعشق ولم تدر ما الهوى
فكن حجراً من يابس الصخر جلمدا
الاحوص

العصبيه هى أن يرى الرجل شرار قومه خيراًمن خيار قوم الآخرين
احمر الطيب

انّ دموع الطفل لأشد ايلاماً من دموع الرجال
مى زياده

....

لاتشترى النحاس بسعرالذهب
الناس فى الخلق معادن و ان تشابهوا
شيخ سعيد مزرعه

الأمثال

الأملُ والرَّجاءُ، ضياعُ الأمل

....

۱- أكذب النَّفس اذا حدَّثتها.

اذا عزم الانسان على أمرٍ، فلا بُدَّ أن يطردَ الخواطر المُثبِّطهَ للآمال، ولا يستسلم للمخاوف واليأس، بل يُحلّقُ فى خيالاته ليُحقِّق أمانيه.
الاستعمال: الحثُّ على بثِّ الآمال فى النفس،وعدم اليأس.

....

۲- البستانُ كلّهُ كرفسٌ.
الكرفسُ: نوعٌ من الحضار يُضاف الى بعض الأكلات.
تعهّدَ صاحبُ بستانٍ حقله وزرعهُ، واجتهد فى عمله متوقعاً أن يُغلَّ أطيب الثّمار،
وعاش على هذا الأمل، فاذا به يُفاجأ بأنَّ البستان كلّه كرفسٌ، وأنَّ شيئاً ممّاأمل فيه لم يخرج من أرضه.
الاستعمال: التَّعبيرُ عن ضياع الأمل وخيبه الرَّجاء.

....

قل	ولاتقل
شربه ماء:	تنگ آب
استطاعه:	توانایی
نفق:	تونل
رمايه:	تیراندازی
فريق:	تیم
منتخب الوطنى:	تیم ملی
مكنسه:	جارو
كاس العالم:	جام جهانی
حرب:	جنگ
غابه:	جنگل
شاب-شابه:	جوان
حداد:	جوشکار
طبع:	چاپ
بئر:	چاه
مصباح:	چراغ
فرامه -مفرمه:	چرخ گوشتی
لصاق -لصقه:	چسب زخم
صک:	چک
مطرقه:	چکش
حقيبه:	چمدان

ترجمه شعر عرب

حمزه کوتی

اشاره : مجید زمانی اصل شاعر جنوبی گاه گاه ، ترجمه می کند . از جمله ترجمه های او، ترجمه چهار بیت اول قصیده ی « نهر الأحزان» نزار قبانی است. زمانی اصل ،کاش تمام این قصیده ی زیبای بیست وچهار بیتی را ترجمه می کرد واز این قصیده ماندگار ، ترجمه ای ماندارگاربه جای می گذاشت.

دراینجا اشارتی کوچک می کنم وتلنگری خفیف می زنم به ترجمه ی این ابیات . وبه الفاظ وبرابر نهاده هایی که در ترجمه به کار رفته اند.مترجم در ترجمه اش سعی نکرده همگام با واژه های شاعر پیش برود. لذا باکلماتی که به کار برده تفسیری دیگر گونه داده است ،از زبان شاعری شاعر.

مثلاً « برکه » به جای «جویبار» ، « امیره» به جای «بانو» .با آنکه «بانو» خود واژه ای امروزی نیست .وبا زبان نزار در تضاد است. اما نزار هنگامی که زن دلخواه اش را مخاطب قرار می دهد، سعی می کند از کلماتی فاخرانه وباستانگرایانه تر استفاده کند. از جمله ی این کلمات، همین « سیدتی» است. که در شعرش متکثر است. وبرابر نهاده ای ندارد جز «بانو».دیگر اینکه مترجم عنوان شعر را « جویبارحزن ها». ترجمه کرده که زیباست. اما وقتی به « نهری أحزان» می رسد.به « دوبرکه غمین» ترجمان می سازد. کاش این ترکیب ها به « دوجویبارحزن» یا «دوجویبارحزن» ترجمه می شدند تا مشتق « حزن ها » باشند. همانگونه که در شعر از یک ریشه اند. یا « مویه ی موسیقی» که در برابر « نهر ی موسیقی» آمده است.

از دیگر جهت ، دوری مترجم از فضای شعر ونزدیکتر شدن به اقتباس وباز سرایی کار ترجمه رادچار خلل ساخته . مترجم که خود شاعر است، خواسته هر چه بیشتر زبان قبانی رابه زبان خود نزدیک کند. لذا کلماتی که در ترجمه آمده اند چون « مویه ی موسیقی» ،« امیره» ،« غمین»در شعر او متکثر می شوند.بااینهمه اما، وقتی به ترجمه ی این ابیات می رسم حس لذت گرایی ام بر حس نقدو ویرایش غلبه می یابد. وترکیب کلمات وتلفیق الفاظ را نظاره گر می شوم.باهم این ابیات رابا ترجمه مجید زمانی اصل می خوانیم:

نهرُ الأحزان

عيناک ... كنهرى أحزان
نهرى موسيقى حملانى
لوراء... وراء الأزمان
نهرى موسيقى قد ضاعا
سيدتى... ثم أضاعانى
الدمع الاسود فوقهما
يتساقط أنغام بيان

....

جویبار حزن ها

چشم های تو
دوبرکه ی غمین همگون اند
مویه ی موسیقی اند
که دست بسته طناب زمانه ام می کنند
ومی برند تا آن سوی ترهای آن سو
وموسیقی هم در آنها
نُتهایش را گم می کند.
امیره ی من !امیره ی من!
من هم در ابدیت گمگشتگی ها گم شده ام
با دواشکی آغشته به سرمه نگاه کن.

الصحة والجمال

سلامه موسى

من مساوى مجتمعنا فى الوقت الحاضر أن نعد العمل ضروره للكسب فقط، ونتمنى لو أننا كنا قادرين على الاستغناء عنه وعلى أن نعيش فى بطاله. وهناک من الأثرياء الوارثين من يعيشون فى البطاله فخورين بثرائهم ، حتى لينظر اليهم غيرهم من العاملين المكدورين بعين الحسد، يودون لو أنهم كانوا قد ورثوا وقد هنئوا مثلهم بالبطاله ولذلک تعد البطاله فى بعض أوساطنا ميزه. اذا لم تكن الفرص تتيح لنا تحقيقها فلا أقل من أن يدفعنا الزهو الى التظاهر بأننا قادرون على أن نعيش فيها حىّ لنرى المالک الوارث الذى لا يملک سوى خمسه أو سته أفدنه يتباهى ببطالته، ويقضى وقته فراغاً كاملاً فى حركه الجسم والذهن .ونرى كذلک سيده البيت وهى تقعد وتتعفن فى مقاعدها بلا عمل، اعتقاداً بأن البطاله حقها الطبيعى، وأن العمل والخدمه لم يخلقا لها. وأنه مادام فى البيت خادم فانها هى يجب أن تقتضى حياتها مرتاحه، فى حين يجب على الخادم أن يعمل ويكد. وكثيراً ما أتأمل هذه الحال، وأقارن بين الخادمه وسيتها، فأجد ان الأولى تمتاز باقوام النحيف الجميل فى حين أن الثانيه تترهل وتستكرش وتلهث لأى جهد. وذلک لأن العمل ينشط الخادمه ويشيع الصحه فى جميع أعضائها. فهى خفيفه متحركه نشيطه، فى حين أن البطاله التى تفخر بها سيدتها تملأ أعضاءها شحماً وتجعل بطنها ينبعج، حىّ لتزول معالم الجمال فيها.

اذ هى كتله متراصه من اللحم والشحم. ونحن اذا أغفلنا القيم الاجتماعيه، واعتمدنا على القيم البشريه وحدها، لقلنا أن هذه الخادمه أفضل من سيدتها. ولو أننا كنا قد نشأنا على احترام العمل، وعلى أن سبب وجودنا فى هذه الدنيا هو أن نخدم المجتمع الذى نعيش فيه، لما احتجنا الى الألعاب الرياضيه التى نعوض بها ما كان يجب أن نؤديه بالخدمه والعمل اليدوى. ولو كانت كل سيده تمسح منزلها كل يوم، وتؤدى واجبات الخدمه لزوجها وأبناها لما أوذيت أعيننا بمظاهر الشحم المتكتل واللحم المترهل فى نسائنا اللاتى فقدن معالم الجمال لايثار هن البطاله على العمل واعتقادهن أنه ليس من واجبهن أن يجهدن ويخدمن ليكن لنا مذهب ندعو اليه ونمارسه وهو أن العمل والخدمه هما الشرف. أما البطاله فهى الضعه والخسه.

فائده فى أصوات الحيوانات

فى الأصوات يقال: ثغاء الشاه، ونباب الجدى، وصهيل الخيل، وحمحمه الفرس، ونهيق الحمار، وشحيج البغل، ورغاء الجمل، وجرجره البعير، وهدير الناقه، وخوار العجل، وزئير الأسد، وعواء الذئب، ونُباح الكلب، وضبح الثعلب، وقبع الخنزير، ونهيم الفيل، وكشكشه الأفعى، وفحيح الحيه، ونقيق الضفدع، وحفيف الجعل، وضغاء الهره ومواؤها ايضاً، وبغام الظبى، وصىء الفهد، وصرصره البازى، ونعيب الغراب ونعقيه أيضاً وصقع الديک وصياحه أيضاً، وزمير الظليم، ونميم الفاره، ووعوعه ابن آوى، وهدير الحمام وهديلها أيضاً، وزقزقه العصفور، وصفير القنبر، ونقض العقاب، ونقيق الدجاجه،وخرير النسر،وخرير الماء،وهبوب الريح، وزخرالبحر ،وصليل الحجر، وقعقعه السلاح، وجعجعه الرحى، وبث التيس، وصوت الرعد، ودوى الهواء.

جزاء الخيانه

قرأ الروائى اللبنانى الفكه، طانيوس عبده، فى كتاب تاريخى: أن اليونانيين القدماء كانوا يعاقبون المرأه التى تخون زوجها بجدع أنفها ، والرجل الذى يخون زوجته بقلع عينيه، فكتب على هامش الكتاب:

فلو وصلت شرائعهم الينا   على ما نحن فيه من مجون
لأصبحت النساء بلا أنوف   وأصبحت الرجال بلا عيون

الو صوت الشعب ۳۷۸۶۸۰۰

بسم الذی جعل المحبه فی قلوب الأمهات
الیک یا أعزّ وأجمل شی لی فی حیاتی وروحی. أفدیک بعمری حتی لو کان طویلاً العمر لأنه عمرک الذی جعلته لی. أنت التی حملتنی فی بطنک اشهراً وتحملتی الوجع والمصاعب وعندما ولُدت فی ذلک الیوم بدأت حیاتی وقلت لا اله الا الله محمداً رسول الله وفتحت عینی ورأیت مافی الدنیا وضحکت فی وجهی وقالت أهلاً وسهلاً بک یا ابن أمّه الله وکانت لیلاً ونهاراً حتی فی لحظه واحده لا تغفل عنی وکنت ابکی وتحضنتی فی صدرها وکان صبرها طویلاً لیس له حد وکانت تضربنی من تلک الأطعمه أطعمه الجنه. فهو الحلیب الذی نزل علی قلبی وسکن فهو یشبه الماء الزمزم وغسل بالمحنه والموده فی هذه الایام بعیداً وقریباً عنها وعندما أذکرها وأنادیها: أمی.. أمی.. یا امی وتقول لی مابک یابُنی ... والآن فی هذا المکان فی أحلامی وکل لحظه أرسم صورتها فی السماء وفی قلبی.
عادل من الاهواز

للمرحوم غریب خلیفه السویطی
تراخم بیّن بلنظر وسفه
الحایب غطا موگ العین وسفه
ابعگل الجاهلیّه صرت وسفه
العمر حمّل ازموله وگطع فیه

للحاج ملیس غریب السویطی
الحلگ ینفض مسدس صدّمَنه
وعدوّه دوم لایذ صدمنه
علی بخت اللیالی صدمنه
صدم البین لا تشمت علیه

الشاعر الحاج عبد العزیز العموری

ابو فاضل فده ابنفسه ودینه
او حامه عن حرم جده ودینه
رسائل شوگ اله کثره ودینه
او نحب انزورکم گبل المنیه

حبیبی لون بس بلطیف مرلای
او من عگبک لذیذ الزاد مرلای
اعلیه اشما ترید الساع مرلای
ولو روحی اقدمها هدیه

اشعار للأطفال

حروفنا الجمیله

فی هذا النّشید تتعلّمون یا أطفال حُروفنا العربیّهَ الجمیله
(الألف باء) بالترتیب.
وهی ثمانیهٌ وعشرُون حرفاً، تبدأ بالألف وتنتهی بالیاء.
والآن... غنّوا معنا.
ألفٌ باءٌ تاءٌ ثاءٌ
هَیَّا نقرَأ یا هیفاءُ
ألفٌ أبنی
باءٌ بَلَدی
بیدی بیدی أبنی بلدی
تاءٌ تَعدو
نحوی دَعدُ
قالت: ماذا یأتی بعدُ؟
ثاءٌ ثَمرٌ
طابَ الثّمرُ
جیمٌ حاء خاءٌ دال
هیّا نُنشد یا أطفال
جیمٌ جبلٌ
حاءٌ حملٌ
خاءٌ خالی
رجلٌ فعال
جاءَ الدّال یا أطفال
قال: سلاما ردّت ماما
ذالٌ راء زایٌ سین
سوفَ نکونُ المُنتصرین
ذالٌ ذهبوا
راءٌ رسبوا
زایٌ زارَ
عمّی الدّارَ
حیّیناه صافحناه
قُلنا: أهلاً یا عمّاه!
شینٌ صادٌ ضادٌ طاء
بعدَ الطاء تجیءُ الظّاء
غَنّی معنا یا لمیاء
عینٌ غینٌ قالَ حُسینُ:
أنا مُجتهدٌ نعمَ الولدُ
فاءٌ قاف یا صَفصاف
یلعبُ معنا یرقُص معنا
ماأذکانا ماأروعنا!
بعدَ الکاف تجیءُ اللام
ما أحلی هذی الأنعام
میمٌ مهرٌ
نونٌ نهرٌ
مَرّ سریعاً هذا الشّهرُ
هاءٌ هندُ
واوٌ وعدُ
تکتبُ سلمی یقرأ سعدُ
آخرُ حرفٍ یُدعی الیاء
قولی معنا یا علیاء:
یحیا الوطنُ
نحنُ الوطنُ

الأخ السید حمد الموسوی

مدیر العلاقات العامه لبلدیه المنطقه الثانیه والأسره الکریمه
نتقدم الیکم بأحر التعازی بفقدان عمکم المغفورله
ونتمنی لکم الصبر وللفقید الرحمه والغفران.
أخوکم عادل الحیدری

أنسافر؟

- لنسافر....
- أین؟
- هیّا لنسافر....
-صوتها کالصمت حزناً ضمّ فی أغواره
وبدت نجماً وتثّبت صوتها فی أذن اللیل....
وصمتَ...
ثم لم یأت الی الصوت صدی
صمتت....
لم یسافر...
والذی ظلّ یهیبُ الغرفه الحائره البیضاء ماذا؟
والذی ظلّ یهیل الصائتین الصامتین فی صحاری اللیل ماذا؟
صرخت: ماذا...؟
ولاذت تحت جنح اللیل والصمت....
وصمتَ...
ثم لاذالآخر الصامتُ
واللیل...
وصمتَ...
ثم لم یأتِ الی الصوت صدی...
- نحنَ - انّا - لنسافر....
والی أین؟
بلاد النور ضاعت
وبلاد الحب ضاعت
والبلاد بعد تلک الطرقة الصامته - الموعودهُ الخضراء ضاعت
فالی أین؟ وصمتَ....
وضیاع...
- فتکلّم
قال انّ اللیل یبقی
وله صمتٌ کصحراء
وجنحٌ.....
ولئلذ...
. . . .
وبدت لیلاً وصحراء وجنحاً
ثم قالت: لنسافر
مرهٌ أخری....
وصمتَ...
بعدهُ صمتٌ....
وقالت....
ثم قالت...
ثم لم یأت الی الصوت صدی

مریم حیدری

اهلال عیدی

کتله لا تبعد علیّه
گال غضبن موبدیه
کتله دمعی اعلیک سایل (کتله یبقا الدمع سایل)
گال بدموعی اکتب اخطوط او رسایل
کتله انامانام لیلی
گال اناهایم دلیلی
کتله انت الفرح بیدی
گال انت اهلال عیدی
کتله روحی تحترگ مشغوله بیک
گال تبقی الروح مرهونه بدیک
کتله بعدک مالی احد
گال من بعدک اناکل حیلی ینهد
کتله اکضی الیل دمعات او سهر
گال اکضی العمر ونّات اوقهر
کتله غفله اتروح احذرک
گال ما اگدر اودعک

سهام علی

الصمود

عاهدت نفسی عهد من کل وجود
اوطبعی لو عاهدت ما خون العهد
گلت لازم للقمم اصعد صعود
واوصل الدرب العلَی کلش بعد
رغم ما ظیم العلَی دایم یزود
والوکت بهروش دلالی مَرد
لچن ما ملیت لحظه من الصمود
وعشت عمری ابقل هو الله احد
انه یا صبر الصبرته ابلا حدود
وبل مأسی دمع البعینی شهد
بیدی اکصر اظلوعی واصنعلی وگود
لَوَن مربیه الشته وجسمی برد
او ما اگول ارجع بعد ثانی وعود
للحبیب الماوفه اویای ابوعد
ابوشروق العلوی

. . . .



کاریزما مقلوبة

بقلم: عبدالرَضا عطّاش



النّقد حیاه للامم المتحضره ؛و المجتمع بغیر نقد تفترسه الذّئاب

الکاریزما المقلوبه لا تدوم

فی هذا العالم الرّحب تتصارع الکائنات تصارعا لا مبرر له ومن أجل اثبات وجودها وظهور اسمها ورفعه شأنها.

فهذا التّصارع انّما یتمّ فی هذه المده القصیره من الحیاه لامور تافهه جداً و علی حساب الآخرین و یتجلّی هذا

النّزاع و ینتهی هذا الحرب الّذی لا هواده فیه علی السّباق علی القدره و الکرسی والاستفاده الحصریه والسّلطه

علی مواهب الطّبیعه التی خلقها الله لکل الکائنات بالسّویه و علی العدل بدون أیّ تفاوت. فیتمخض من هذا العراک

القدیم بین البشریه أصناف من النّاس فی الحیاه . فهنالک صنف من النّاس لأسباب مختلفه تعلّقوا بها فلا یفکّرون الا بمشتهیاتهم و لذّائذهم فیبیتون علی الرّیاش .ذوی أکراش. لهم أحسن ألعلف.ویتمتعون بالتّرف.یرون النّاس صغارا لارتفاعهم مسافه وأرضاءاًلرفعتهم نبلا وکرامه . معلّقین فی عشوشهم فی قصور ناطحات للسّماء و فی عرینهم

أرضا. و حتّی نکون منصفین فی الحکم علی هؤلا ء أنّ لیس کلّ هذا الصنف یفقد صوابه وانسانیته ولیس من مقدورنا أن نقول کلّ من یتمتع بالتّرف هو بعید عن آلام الفقراء . بل البعید عن الانسانیه هو الّذی لا یری فی الحیاه الا اللذه ویری السّعاده فی ظلّ المشتهیات النّفسیه لا غیر. وهنالک ثله کبیره من النّاس لنزاکتهم لا لسذاجتهم .ولجدّیتهم فی الامور لا لتحیلّهم .ولصدقهم و خوفهم من الله یسیطر علیهم البؤس و الفقر فیداوون آلامهم بالصّبر والنّبل الانسانیه .محتفظین أشدّ الاحتفاظ بالکرامه و الشّرافه و القیَم . فهم النّموذج الحیّ لکلّ البشریه علی طیله التأریخ.فهم علی شده فقرهم یؤثرون علی أنفسهم .کالأولیاء و الأئمه و الصّالحین و السّائرین عملیا علی دربهم والنّاهجین طریقهم.وهنالک شرذمه أخری ثالثه نسّمیها بالمثقفین .وهم علی سبیل التّفنن یسمّون أنفسهم نحن النّخب أو السّیاسیین. علی ایّه حال الآن لا ندخل فی منظومه الاصطلاحات فهؤلاء للسیطره علی قلوب و عقول البسطاء و بفضل الانفراج یستخدمون و بشکل عجیب جداً أسالیب وسبل لأهدافهم السّطحیه وسریعه الانتهاء .فالبعض من هؤلاء الأصدقاء یظهرون ویجعلون من أنفسهم شخصیه عبقریه.مثالیه .أنموذجیّه.غیر واقعهم شخصیه کاذبه.أو شخصیه بالونیه .أو کریزمه مقلوبه و لکن و کما نعلم أنّ الغیوم لا تحجب الشّمس ونورها. فسرعان ما تظهر الحقیقه .نعم حینما یصل هؤلاء الی مآربهم.

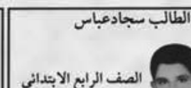
تشرع الفاصله بینهم وبین النّاس بالاتساع ویشرع هؤلاء بلذّاتهم والازدیاد من الحطام.

ناسیین کلّ ما أوعدوه للبسطاء . ومن العجیب جداً أنّ هؤلاء متنوعون فی أسالیبهم.ثله منهم لابراز أنفسهم والشّخوص بین المجتمع یظهر نفسه وکأنّ الاسلام نزل علیه وکأنّ هو المسلم الحقیقی وبقیّه النّاس بمعزل و کأنّ هو الّذی فجّر الثّوره الاسلامیّه وبقیّه النّاس بمعزل.

والبعض الآخر الّذی یشارک القسم الأول فی السیطره علی قلوب وعقول النّاس. یعمل بذکاء وهم تقریبا عرفوا کیف یضربون علی الوتر الحسّاس .فهؤلاء لو راجعنا الی تألیفات ادعآتهم لألّفت منها کتبا ولو باحثتهم لأتوک بمفاهیم و مفردات جدیده لا یعرفها أنفسهم قبل غیرهم . ولکنّ الملفت للنظر والمدهش للعقل.هوأنّ هؤلاء الاخوه یرون اتجاه الشارع أین یمیل فهم یمیلون معه فهم کالسّماسره فی الأسواق یرون ماهی احتیاجات النّاس فیأتون ویقدّمون بضاعتهم فهذا جانب صغیر من التفنن فی علم السّیاسه عند هؤلاء !ولا تنسی الجانب الکبیر وهوأنّ بالأمس القریب کانوا یضربون علی وتر الیسار !و الیوم لتغییر الرّیاح یضربون علی وتر الیمین ! وهنالک ثله رابعه لا تنتمی الی ماذکرنا.

علی أیّ حال من الأحوال فالانسان اذا وعی قدره الله فی الکون حقیقه وأنّه هو المؤثر لا غیره فلا یفتح حسابا لغیر الله من النّاس .فختامها مسک؛قول الامام علی علیه السّلام:لا مال أعود من العقل ؛ ولا وحده أوحش من العجب و لا عقل کالتّدبیر ؛ولا کرم کالتّقوی ؛و لا قرین کحسن الخلق.

الطالب سجادعباس



الصف الرابع الابتدائی

المعدل :۲۰

الطالبه زهرا قضاوی زاده

الصف الأول الابتدائی

المعدل:۲۰

شکروتقدیر للسیده گراوندیان

الأخ علی الشبیبی و الأسره المحترمه

ببالغ الحزن والأسی تلقینا نبأ رحیل والدکم المغفورله ونتمنی لکم الصبر والسلوان.

علی الأنصاری -حمید الداغری - محمد الداغری -
احمد شقرپور-احمد المغینمی -علی الباوی -عادل الحیدری

«دراسة فی الشعر الشعبی»

الحلقه الحادیة عشر

عباس علی الحزباوی

انقسامات فی المدرسة الشعبیة

عزیزی القاری

لقد کانت نشأه أبی العتاهیه بین طبقات الشعب الدنیا. ووقوفه علی أسالیب حیاتها.

وثبات أمثالها .ومعانیها . وما تتلّخص فیه تجاربها من عبارات فی نفسه وعزیزته ثم قیامه علی تحصیلها لیکمل من ذلک ما نقصه. کما رأینا فی مزامله مختلف الأفرادفی الکوفه لیحصل علی الفاظهم . ولیقف علی کیادهم فکان من هذا ومن ذاک مصدر غناه بالمعانی ممّا لم یتاح لغیره من الشعرآء الذین لم یعیشوا عیشه .ولم ینشأوا نشأته والذین عاقهم التحصیل المنّظم لمعانی الشعر من مصادرها التقلّدیه. عن الاستفاده من تلک الثروه العامّه الملقاه بین أیدی العامه (فی الأرجح(دون الخاصه. ومن هنا کان الذّخر الهائل الذی وجده أبوالعتاهیه من المعانی .دون سائر الشعرآء. ومن هناک کانت غزارته وسعته الفیض الذی کان یغترف منه وهذا المعانی التی کانت تدور علی ألسنه العامه ویسترخصها من لم ینظر فیها من الخاصه (تقوم فی العاده عند جذورالحیاه وأصولها) فاذا أحسن مقتبسها صیاغتها . ویبلغ بها من الجمال منزله تؤهلها لأن توضح موضع الشعر وجدها (الخاص)عند اللباب من قلبه. ووقعت عند (العامی)فی سویداء. لأنها (کما قلت) تلخیص لما وقر فی النفس الانسانیه من تجارب الأجیال السابقه للحیاه. ومثلها فی ذلک مثل تلک النغمات الرائعه التی یلقفها الموسیقی القادر من نداءات العامه علی مبیعاتهم .ومن ترینمات الذاکر ین فی مواکب الأعیاد الدینیه والمواکب العزائیه. والأفراح او الأحزان (فیحیلها الی أروع مایمکن أن یصل الیه التعبیر الموسیقی الخالد) وهی لذلک أشدّ فی نفسک موقعاً. وأجمل محلاً . وأنت بها أشد انتشاءً وطرباً .وارتیاعاً من تلک النغمات التی یقع علیها الموسقی وقعاً جدیداً. ولقد کان أبو العتاهیه موّفقاً فی استخدام هذه المعانی غایه التوفیق . وکان حسن العرض لها. تساعده فی ذلک قوّه طبع نادره . فکانت العامّه معجبه وکانت الخاصه به معجبه الا فی القلیل .وها القلیل من الناس لا یآخذ علیه التقصیر فی معانیه . ولکنّها أبا العتاهیه کان یخالفهم فی ذلک. ولا یری رأیهم (کما مرّبنا). أما الموضوعات التی یشتمل علیها. فقد غلی علیها موضوع واحد. ذلک أن کثره شعر أبی الهتاهیه کانت فی الزهد وذکر الموت. والتذکیر بالآخره. وفی الأمثال التی تحمل علی تدبّر العبره فی الامور ولو أن أبا العتاهیه وقف بمذهبه هذا وهو مذهب جدید من ناحیه الموضوع. والتوسع فیه. لقلیل مذهب اختاره له صاحبه طریقته التعبیر. وخالف فیه نهج الشعراء. وجار عن جادتّهم. ولکنّه علی کل حال اهتدی الی أصوب طریقته یعبّر بها فنّه الجدید. ولکن الأمر لم یقف به لأبی العتاهیه عند الزهد(فی استخدام طریقته الشعریه الشعبیه)فقد بدأ أبو العتاهیه بها شعره. وسار سیره الشعرآء فی عصره (یمدح. ویهجو . ینسب)بل انه عُرف بحبٍّ من تدعی (عتبه)حبّاً وضع به موضع المثل وسار نسیبه فیها سیروره واسعه وبالغ فی ذلک مبالغه الشعرآء. الذین لا یخشون شیئاً. ولا یرعون دیناً. حتی انّه لیقول فیها:

کأنّ عتابه من حُسنها دُمیه قُس فتنت قسها
یاربّ لو أنسیتنیها بما فی جنّه الفردوس لم أنسها

ویقول أیضاً:ان الملیک رآک أحسن خلقه ورأی جمالک
فحذا بقدره نفسه حُور الجنان علی مثالک

وحتی لقد شنّع علیه لذلک منصور بن عمّار واتهمه بالذندقه وقال (یتهاون بالجنّه ویبتذل ذکرها)وقال:(أیصور الحور علی مثال امرأء آدمیه؟ والله لا یحتاج الی مثال یقیس علیه الأشیاء) کما یقول صاحب الأغانی (انه أوقع له ذلک علی ألسنه العامّه حتی لقی منهم بلاء)ومن کان أولی من العامه بقراءه هذا الشعر السهل القریب الممتنع جمیعاً؟ وکان أبو العتاهیه یقطع فی أولّ الی صالح المسکین وهو ابن أبی جعفر المنصور وأصاب منه الکثیر بمدحه. ثم کانت بینها جفوه فراح فی خلافه المهدّی یدخل علیه ویمدح مع المادحین. وینال عطایاه. وتفضیله. ویصل فی هذا الی حدّ أنّ بشاراً - واشجع یرهبان موقفها من الخلیفه مع هذا الشیطان الکوفی فی الذی یأسر شعره السهل القلوب)وهو فی خلافه المهدی یلازم هارون الرشید ملازمه تجعل الهادی أخاه یشعر لغیرته من ذلک بالملقت لأی العتاهیه حتی انّه اذا ولی موسی الهادی الخلافه. ونقّدم الیه أبو العتاهیه مادحاً لینال عطاه لقی منه أولّ الأمر فلّما استعطفه قبل منه وأعطاه حتی لقد حب الی نفس أبی العتاهیه حبّاً بالغاً. وان أباالعتاهیه لیشعر لذلک بأثر فی نفسه یحمله علی اعتزام أن لا یقول فی الغزل أو المدح شعراً بعد موت الهادی- ولکن الرشید یغضب لذلک ویأتی الا أن یقول أبو العتاهیه الشعرفی الغزل الرقیق الذی عرف به. ویسوءه أن یحرم بلاطه من شعر أبی العتاهیه الفرید. یشتد الأمر علی أبی العتاهیه.ولکنّه یأتی أبوالعتاهیه فی حبس الرشید حتی نهایه العام. فاذا انقضت یمینه قال شعراً غزلاً وحمله ذلک مخارق لکی یتخلّص ممّا هو فیه ولکنّه یقول فی امرأته : حیث یقول أبو العتاهیه:

من لقلب متّیم مشتاق شَفهُ الشوق بعد طول الفراق
طال شوقی قعیده بیتی لیت شعری فهل لنا من تلاق
هی خطی قد اقتصرتُ علیها من ذوات العقود والأطواق
جمع الله عاجلاً بک شملی من قریب وفکّنی من وثاقی

(فکتبها مخارق وصار بها الی ابراهیم الموصّلی فصنع بها لحناً وغنّاه امام الرشید. فأمر له بستین ألف درهم وخلع علیه وأطلقه)

عزیز القاری :

وانکَ لتسمع شعر أبی العتاهیه فی مدح الهادی. فتری فیه وصف الخمر وتری فیه الغزل الرائق . یعالج الأمور معالجه الشعرآء. ویسیر فیه علی النمط المعروف الذی انتهت الیه القصیده فی أیامهم : فیقول:

طفی علی الزمن القصیر بین الخورنق والسدید
اذ نحن فی غرف الجنان نعوم فی بحر السرور
فی فتیه ملکوا عنان الدهر أمثال الصقور
ما منهمُ الا الجسور علی الهوی -غیر الحصور
یتعاورون مدامهً صهباء من حلب العصیر
عذراء ربّاها شعاع الشمس فی حرّ الهجیر
لم تدن من نارولم یعلق بها وضرُ القدور
ومقرطق یمشی أمام القوم کالرشأ الغریر
بزجاجهٌ تستخرج السّر الدّفین من الضمیر
زهرآء مثّل الکوکب الدّری فی کفّ المدیر
تدع الکریم ولیس یدری ما قبیل من دبیر
ومخصرات زرننا بعد الهدوء من الخدود
ربّاً رواد فهن یلبسن الخواتم فی الحضور
غرّ الوجوه محجّبات قاطرات الطرف حور
متنعمات فی النسیم مضمخات بالعبیر
یرفلن فی حلل المحاسن والمحاسد والحریر
ما ان یرین الشمس الا القرط من خلل الستور

فهذه القصیده مزیج من القدیم والحدیث . فیها الا ستفتاح بوصف الخمر والختام بوصف الرحله الی الممدوح وفیها بین هذا وذاک تجد وصف مجلس الشراب. ندامه وساقیه وتجدا الغزل اللین الذی لم ینحط . ولم یتضّح ومعانی المدح فیها قلیله وألفاظ قریبه سهله ومعالجته فیها المعانی تأتی عن مواجهتها . فی غیر التواء أو تعریج . والصور البیانیه فیها قلیله جدّاً ساذجه. لا تعد وأن تکون تردیداً للقدیم المألوف . مثل (نعوم فی بحر السرور. وأن الساقی کالرشاء الغریز وزجاجه الخمر کالکوکب الدّری. وتلک هی طریقه أبی العتاهیه التی یستخدمها بعد ذلک فی باب (الزهد لما أحذ فیه. ووقف علیه شعره.

دبستان فلسفه

قسمت سوم

یونان باستان (۴)
سید محمد باقر آل مهدی
mbalemahdi@hotmail.com

ابن سینا نیز در چندین رساله با صراحت اعلام می دارد که جهان در اصل یک نقطه بود ولی به خاطر فعلیت در طبیعت(وجود داشتن) به خط و سطح و بلاخره جسم تبدیل شد.

با این وجود فیثاغورث در میان فلاسفه مخالفینی نیز داشته است. "اگر دانش اندوزی ،هوش و استعداد می آورد،هزیود ،فیثاغورث و .... با هوش می شدند. " این جمله ی غیر منصفانه از آن هراکلیت است. هراکلیت یکی دیگر ازاعجوبه های یونان باستان است او در خانواده ای اشرافی در شهر أفسس، از شهرهای ساحلییونان ، چشم به جهان گشود و با همان خلق و خوی اشرافی بزرگ شدو تا مرگ برخی از ویژگی های اشرافی چون غرور ، تکبر و خود خواهی را بهمراه داشت.او از گفتن جملاتی چون "اکثر مردم مانند گله ی حیوانات هستند که جز سیر کردن شکم غمی ندارند." ابایی نداشت. این شخصیت اشرافی اما ،چنان شیفته ی فلسفه بود که در پاسخ به پیشنهاد دهندگان مقامهای دولتی می گفت: "از هر آنچه مرا از فلسفه باز دارد بی زارم." برخی هراکلیت را ادامه دهنده ی راه ملطیان میدانند.

این نظریه افزون بر یونان، در کشورهای دیگر نیز هوادارانی پیدا کرد. اما از آنجایی که برخی تاب تحمل ایده های نوین را نداشتند و همچنین از شمار رو به افزایش هواداران فیثاغورث به هراس افتاده بودند ، خانه ای را که محل اجتماع او و پیروانش بود به آتش کشیدند و او همراه با شماری از یارانش در آتش سوختند. اما اندیشه ی آنان تا قرنها به حیات خود ادامه داد.اندیشه های او بر گروه های دینی سیاسی و حتی برخی فلاسفه ی مسلمان هم تاثیر داشت.گروه های دینیسیاسی چون اخوان الصفا و فلاسفه ای چون ابن سینا از بیان تاثیرات خویش از این فیلسوف ابایی نداشتند.

از پنجاه و دو رساله آموزشی اخوان الصفا چهارده رساله ویژه ریاضیات و منطق و یک رساله ویژه ی فیثاغورث است که در آن به بررسی کامل نظریات فیثاغورث پرداخته اند. همچنان که در رساله ی ریاضیات در خصوص اسرار اعداد بحث شده است .آنان برای اعداد تقسیماتی داشتند که مربع های جادویی و اعداد صمیمانه یا دوستانه(Amicable Numbers) از جمله آنهاست.

اعداد از دید آنها دارای ارزش روحی متفاوتی هستند. برای نمونه عدد چهار که نمودار عناصر چهارگانه، فصول چهارگانه ی سال و مبادی(عوامل) چهارگانه ی پیدایش جهان یعنی خدا، عقل فعال،نفس و هیولای اولی است از ارزش روحی ویژه ای برخوردار است.

ابن سینا نیز در چندین رساله با صراحت اعلام می دارد که جهان در اصل یک نقطه بود ولی به خاطر فعلیت در طبیعت(وجود داشتن) به خط و سطح و بلاخره جسم تبدیل شد.

با این وجود فیثاغورث در میان فلاسفه مخالفینی نیز داشته است . "اگر دانش اندوزی ،هوش و استعداد می آورد.هزیود ،فیثاغورث و .... با هوش می شدند. "این جمله ی غیر منصفانه از آن هراکلیت است.

هراکلیت یکی دیگر ازاعجوبه های یونان باستان است او در خانواده ای اشرافی در شهر أفسس، از شهرهای ساحلییونان ، چشم به جهان گشود و با همان خلق و خوی اشرافی بزرگ شدو تا مرگ برخی از ویژگی های اشرافی چون غرور ، تکبر و خود خواهی را بهمراه داشت.او از گفتن جملاتی چون "اکثر مردم مانند گله ی حیوانات هستند که جز سیر کردن شکم غمی ندارند." ابایی نداشت. این شخصیت اشرافی اما ،چنان شیفته ی فلسفه بود که در پاسخ به پیشنهاد دهندگان مقامهای دولتی می گفت: "از هر آنچه مرا از فلسفه باز دارد بی زارم." برخی هراکلیت را ادامه دهنده ی راه ملطیان میدانند اما واقعیت چیز دیگری است و او نظریات نوینی داشت که پیش از او در یونان مطرح نشده بود. در واقع می توان او را پدر دیالکتیک خواند زیرااو نخستین کسی بود که در مورد حرکت و اضداد و ستیز بین آنها سخن راند.

گرچه مانند ملطیان مهتقد به ماده ی نخستین بود و آتش رانخستین عنصر جهان می دانست و اعتقاد داشت هرچه گرما دارد زنده است و هرآنچه از گرما دور باشد از عنصر اصلی جهان که همان هستی است دور خواهد ماند. اما هسته ی اصلی فلسفه ی او عنصر نخستین نبود بلکه حرکت، شدن و تغییر بود. به عبارتی شعار فلسفی هراکلیت این جمله بود که "جنگ(یا ستیز) پدر همه چیز است."

او اعتقاد داشت جهان از قدیم وجود داشته و با تضاد و حرکت تکامل یافته است؛ هیچ چیز ساکن نیست، همه چیز متغیراست و سکون برابر با تباهی است ، حرکت با شدن همراه است. "هیچ کس نمیتواند در یک رودخانه دوبار شنا کند، زیرا حرکت دایم سبب می شود تا آبهای تازه پیوسته از سرش بگذرند." همچنانکه "هیچ کس نمی تواند گلی را دوبار ببوید."

اما سرچشمه ی این تغیرچیست؟ ستیز بین اضداد. به عبارتی ستیز به سبب وجود اضداد همواره عامل تغییر، حرکت و شدن است. او در جایی گفته است: "تعجب می کنم که چگونه هزیود خدایان را به صلح دعوت می کند !اگر چنین اتفاقی بیفتد جهان از حرکت باز می ایستد چون عامل حرکت و تغییر در جهان ستیز و جنگ بین اضداد است."

اگر این سخنان در میان آتنیان دگم اندیش گفته می شد شاید هراکلیت نیز وادار می گشت مانند سقراط جام شوکران را بنوشد. اما خوشبختانه او در أفسس زندگی کرد و در همان جا نیز چشم از جهان فرو بست.

در بخش سوم این ستون به نظریه اعداد فیثاغورث اشاره کردیم. فیثاغورث معتقد بود که نقطه، نمودار وحدت است و چون نقاط در یک سطح یا فضا منظم گردند اعداد خطی به وجود می آیند.

عدد دو بیانگر خط مستقیم است و می توان دوئیتیا ثنویت را از آن تجرید کرد و عدد سه، صفحه یا سطح را بیان می کند و می توان تثلیث رااز آن استنتاج نمود.

این نظریه افزون بر یونان، در کشورهای دیگر نیز هوادارانی پیدا کرد. اما از آنجایی که برخی تاب تحمل ایده های نوین را نداشتند و همچنین از شمار رو به افزایش هواداران فیثاغورث به هراس افتاده بودند ، خانه ای را که محل اجتماع او و پیروانش بود به آتش کشیدند و او همراه با شماری از یارانش در آتش سوختند. اما اندیشه ی آنان تا قرنها به حیات خود ادامه داد.

اندیشه های او بر گروه های دینی سیاسی و حتی برخی فلاسفه ی مسلمان هم تاثیر داشت. گروه های دینیسیاسی چون اخوان الصفا و فلاسفه ای چون ابن سینا از بیان تاثیرات خویش از این فیلسوف ابایی نداشتند.

از پنجاه و دو رساله آموزشی اخوان الصفا چهارده رساله ویژه ریاضیات و منطق و یک رساله ویژه ی فیثاغورث است که در آن به بررسی کامل نظریات فیثاغورث پرداخته اند. همچنان که در رساله ی ریاضیات در خصوص اسرار اعداد بحث شده است .آنان برای اعداد تقسیماتی داشتند که مربع های جادویی و اعداد صمیمانه یا دوستانه(Amicable Numbers) از جمله آنهاست.

اعداد از دید آنها دارای ارزش روحی متفاوتی هستند. برای نمونه عدد چهار که نمودار عناصر چهارگانه، فصول چهارگانه ی سال و مبادی(عوامل) چهارگانه ی پیدایش جهان یعنی خدا، عقل فعال،نفس و هیولای اولی است از ارزش روحی ویژه ای برخوردار است.ابن سینا نیز در چندین رساله با صراحت اعلام می دارد که جهان در اصل یک نقطه بود ولی به خاطر فعلیت در طبیعت(وجود داشتن) به خط و سطح و بلاخره جسم تبدیل شد .با این وجود فیثاغورث در میان فلاسفه مخالفینی نیز داشته است. "اگر دانش اندوزی ،هوش و استعداد می آورد.

ادامه دارد

رسالة من طفل فلسطيني الى الزعماء



أنا ثائر ابن نضال وأمي اسمها ماجده ، نحن عائله فقيره مشرده هنا وهناک تسمى الجبارين من قطاع غزه ، غزه هاشم . نعيش فى أحد الأحياء فدائى الفقيره، ابى كان وكان يدافع عن حقوقنا المغتصبه وعن مقدساتنا المتدنسه من قبل الصهاينه ، الآن ابى معاق وجالس فى البيت ولا يستطيع العمل وانى اعيل العائله، اعمل فى أحد الأسواق ، عملى عتّال يعنى اقوم بتوصيله ما يبتاعون الناس من السوق حتى بيوتهم ونصف النهار اذهب فيه للمدرسه. قبل أيام وعند ما كنت فى السوق ، رأيت مشهداً يوقف الابره فوق الماء كما يقولون !

جنود الاحتلال هجموا على السوق الشعبى وقاموا بتكسير كل ما كان من بسطات لناس فقراء يحاولون الحصول على لقمه العيش بحلال!

فألمت كثيراً وقلت لنفسى اكتبُ هذه السطور عسى ان يكون هناک اذن صاغيه..

اصحاب الجلاله والفخامه، رؤساء وملوک وامراء ويا فيّالله على الأرض ويا من تركع لكم قله من شعوبكم وتسجد لكم جنودكم!!

لاسلام عليكم وبعد:

الى متى وانتم تتكتمون على مصائبنا ونكبتنا؟ اليس هذا الذى يحدث لنا مؤلم لكم تختبئون فى قصوركم المحصنه بخدمكم وحشمكم وجنودكم الاشاوس.

اننا هنا فى هذه الأرض المحتله نموت بدأ، نموت جوعاً، هنا يقتلون آمالنا، فرحنا، هنا يقتلون الشجر ويدمرون الأرض ويشردون البشر والحشر. يستعملون غارات بالأسم مسيله للدموع لكنها بالأصل هى تسبب الاجهاض لأمهاتنا الحوامل! البطاله تذبح شبابنا والمضايقات لعمالنا وصلت الى ذروتها، تفتيش يومى والخ....!!

الاعتقادات مستمره والقتل لشعبنا أصبح شبه يومى وانتم ياعظما وقد اخترتموا الصمت و مهتمون كل الاهتمام بالاصلاح وترضيه سيده العالم امريكا!

أنى لا اعرف عن السياسه الدوليه وتضارب المصالح للدول الغنيه ولا اسواق اوبک والبورصات والرأسماليه العالميه، لكنى اعرف وذلک من خلال احاديث جدتى من اليوم الذى فتحت فيه عينى بأن هذه الأرض مغتصبه واعرف ايضاً كيف يتعامل الصهاينه من مستوطنين وجنود مع شعبنا المظلوم، واعرف ايضاً مقوله أمى وهى تقولها لى دائماً: أمى لا تصالح عدوک ، اياک ان تنسى...! حالنا هى حال الذى يخطى بخطواته المرتجفه فوق السكين، جلاد ينتظربفارغ الصبران نذبح و نسقط ...

يا زمن الماء.... سكين هو القنديل

سكين... اذا اشتعل الفتيل.... دمى يسيل

جبريل ويا جبريل ويا جبريل
لا وطناً ولا تنزيل
ويا قدماً زرعت القمح فيها....
وهى ترتحل
شرايين التى قطعت .... شرايين التى تصل
لماذا لم ازل حياً
انا المطحون بالزيتون والعنب
ساعه الحائط من النار
فى السحب.... تمثال من اللهب
على قدميه قربا ناً من الحطب
أم الكرش التى تركوه للمعزه من العرب

واين غزاله العربى واين يمامه العربى ورمح الدوله العربى وجرس الدوله العربى وبدر الدوله العربى وشمس الدوله العربى
الكتاب الأخضر العربى وسيف الدوله العربى
اذا جئنا معتصماً (معتصم).... وجدناه ابالهب
وخذ ماشئت من حماله الحطب
ومن الحطب ....
وخذ ما شئت من خطب
معلبه كما السردين فى العلب
عودات كالمرايا.... مالها كفن
وجلاداً جواريه.... هى الوطن...!

يهجمون علينا فى مخيم جنين. بحجه اعتقال مطلوبين ، يحاصروننا ان نشرب من مياه المجارى، يقصفون المنازل وكنيسه القيامه ويدمرون احياء سكينه آمنه بكاملها.

كم جلستوا واجتمعتوا وصرختوا: ندين وشجب، نرفض ونحمّل المسؤوليه لامريكا واسرائيل ...! وفى يوم الثانى تجعلون من سياده اراضيكم قواعد عسكريه للامريكان والانجليز كى يشنوا الحرب ويحتلوا العراق دارا لسلام وبلدائمه الاطهار وماذا بعد فلسطين والجولان والعراق وهل الموقع الآتى هو الكعبه !؟

أنى انا المتنبى ... فوق عصركم وعصرى
انا المستقبل الزمن
أنى انا المتنبى...
سوف يقتلنى سيف... له ذنبٌ فى عنقه رسن
لكن ... سأصعد من سكينكم... قمراً... على ضفائره، يستيقظ الوطن

هذا شعبى يذبح فى فلسطين والعراق وانتم جالسون بهدوء تام تعزفون على اوتار الاصلاح وأى اصلاح تتكلمون عنه؟

هل هو اخراج وطرد القوات الامريكيه -الانجليزيه من اراضيكم أم هو توسيع قواعد هم وتكبير بوارجهم وحمالات طائراتهم الحربيه أم مدّهم بكميات كبيره من النفط التغطيه نقض الأسواق....!!؟

يا حضرات الابطال : كفانا... قد شبعنا من قممكم ونغمكم وبالعاميه الفلسطينيه (حلّوا عنا)! من يحاول ان يحرر شعب ما، فعليه اولاً بتحرير نفسه وانتم لستم باحرار ، فكيف تريدون تحريرنا؟ جامعه الدول العربيه، اللجنه الرباعيه، خارطه الطريق ، الأمم المتحده، الدول الصديقه، قوات دوليه، المؤتمر الاسلامى ، الدعم المادى والمعنوى ، لجنه تقصى الحقائق وأخيراً المؤتمر الأول للارشاد...

هذه كلها لا تفيدنا ، هذه تزيدنا خيماً وتشرداً من جديد.

برأيى اذا كانت قضيتنا الفلسطينه كقضيه البوسنه أو كوسوفا، يمكن قد حلّت من زمان!

اريد ان اسألكم كم هى المبالغ الماديه التى دفعتموها لهذه الاقاليم وبأمر من... !؟

لا تتكلمون من مبدأ الانسانيه والدافع الاسلامى ، لأنى اعرف بوضوح انكم بعيد بن كل البعد عن هذه الأمور. هذه القدس ، القبله الاولى للمسلمين ، يحاولون طمس هويتها الاسلاميه وخرابها وسلبها من يد المسلمين، ماذا فعلتم من احلها ولماذا تحتفلون بليله الاسواء والمعراج؟ كم تكبدتوا من الخسائر البشريه والماديه دفاعاً عن القدس ولماذا تمنعوا المظاهرات الطلابيه والشعبيه من مناصره شعبنا الفلسطينى ان تسير بالشارع!!؟

اللوبى الصهيونى الأمريكى دخل بيوتكم وصدوركم وعقولكم وتقولون فلسطين ويوماً بعد يوم تقومون بتشييد المراكز التجاريه المشتركه مع الصهاينه فى بلادكم!

تزاودون علينا فى موائدكم الفاخره وبلباسكم العسكرى، اريد ان اسألكم من اين اتت لكم كل هذه الاوسمه! فى اى حرب تحريريه قد حصلتوا عليها، فى حرب سنه ۱۹۵۶م أم ۶۷ أم ۷۳أم۹۱-۹۰ اكيداً فى الحرب الأخيره ۴-۳-۲۰۰۳!

وكما قال الشاعر ... آه يا زمان الماء!

هذه فلسطين تحت اقدام الصهاينه وهذه سوريه محاصره ولبنان مهدده والعراق محتل وماذا عن افعالكم ومواقفكم وعصركم واين ابطالكم اصحاب الاوسمه!؟

وردهٌ..... بصل
من البطل والابطل
وعصراً نصف حطب وعصراً نصفه لهب
وعصراً كله عجب.... ولا عجب
وعصراً ماله حسب ولا نسب
وعصراً ماله ام... ابو
عصراً هو العجب ولا عجب
فشرطياً له اسماء العربيه الحسنه
على كرباجه الحرباء تشرب من دمى لوناً
فبوركت الزنازين التى صارت لنا وطناً
وبور كت اسمه العجب
ولا عجب....
وشرطياً عن الاكتاف قد نزل
وشرطياً على الاكتاف قد ركب
وشرطياً على جاويشه غلبه
وجاويش على جنراله قلبه
ومخصياً على المخصيى قد وثب
وانحب مسخه العجب
ولا عجب... هم العرب
ولا عرب
وقلبى فى يدى جرساً... يدق
فيعلن العسس انقلاباً اسمه القدس
ومعتمداً ومعترضاً وانقاضاً واندلس
ولا قدس... هم العسس...
عسساً... عسس.....!

تقولون احتلال ، لكن السؤال الذى يطرح نفسه امامكم! ما هى اسلوب ومحاولات المحتل، كيف يتعامل مع اصحاب الأرض؟

سلب جميع الحقوق الانسانيه المشروعه، منع حريه البيان والنشاط على كافه المستويات، منع التجمعات والمظاهرات السلميه، اجهزه امنيه وتوابعها وبهذا الشكل ما هو الفارق بين المحتل وبين انظمتكم الكريمه؟

منكم ما كان قد دفع الملايين المؤرخين مأجورين كى يقومون بكتابه تاريخ مزيّف لينصبوهم الى النبى الاعظم واحفاد النبى ومنكم ما جعل من نفسه عاداً ثانى يريد ان يصل الى العرش (لا قدّر الله)!

تأتى الىّ النار من كل الجهات الاربعين
هل هذا الذى فى خوذه الجلاد
يسلخ رأس طفلى
كان فى يوم .... آدم مثلى
وكان يقول ان الله افقر شاعراً فى الأرض
هل هذا الذى فى خوذه الجلاد....
يسلخ ثدى أمى
يعرف الفقراء والشعراء ....
يختصر الخناجر كلها فى وجه أمى
تأتى الىّ النار....
هل هذا الذى ذبحوا من ساقيه
ينهض من دمى... يمشى الىّ...
عصاه شريانى.... وساقى بندقيه
ايها الوجه المكرر ... انت لا تحتل وجهى .. انما تحتل قبرک....

الشعر مقتطفات من قصيده الشاعر الفلسطينى الشهيد معين بسيسو

اللوبى الصهيونى الامريكى دخل بيوتكم وصدوركم وعقولكم وتقولون فلسطين ويوماً بعد يوم تقومون بتشييد المراكز التجاريه المشتركة مع الصهاينه فى بلادكم

چگونگی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

قسمت ششم

قاسم کعابی

بنابراین نظام سرمایه داری توانست اولا از بحران شدید خود جان سالم بدر برد ،سپس به تهاجم روی آورد،چنین شرائطی،اتحاد شوروی راهمیشه در حالت دفاع فزاینده قرارداده وتمام امکانات خودرابرای رویاروئی با خطر وتهدید بسیج سازد.واوضاع این چنانی ناگزیر،بیمها وتلاشهائی را می آفریند که با نیازها وخواستهای روزمره مردم،چون بالا بردن سطح خدمات ،مخصوصا درسایه روابط جدید جهانی وبه خصوص بعد ازانقلاب ارتباطات وبا تاثیر پذیری از دستاوردهای کشورهای دیگر همخوانی ندارد.این شرایط در زمانی فزونی وشاید دوچندان شد،که توجه دولت در چهار چوب مسابقه تسلیحاتی وسفر به فضا برای حفظ برتری وروبرو شدن با تهدیدات معطوف گردید.به علت فقدان روحیه ابتکار عمل ناشی ازنبودن دمکراسی،حالت انتقاد وبازنگری وروبرو شدن با اشتباهات وتجدید نظر در اولویتها ،پنهان ماند واین وضعیت درتمام زمینه ها،مخصوصا درزمینه اقتصاد محسوس بود ودرپی آن رکود وبورکراسی پایدار گردید،وتنها کمیت معیار برآورد کارها قرار گرفت ونیز روابط زنده میان تولید کنندگان ودولت سیر قهقرائی را پیمودوبالاخره تفاوت میان برنامه های اعلام شده تولیدی با واقعیت ملموس جامعه فزونی یافت.

ریشه این نابسامانی رو به گسترش، فقدان دمکراسی درون حزبی ودولت،وعدم اعتماد به توده های مردم بود واین امر

به آفرینش عقلانیت وساختار وروشها ی خاصی انجامیدوبی درنگ این اوضاع به نیرو ومنافعی بدل شد که برهمه آهنگ حرکت تسلط وتاثیر داشت چیزی که درآینده برنتایجی که اتحاد شوروی وبلوک سوسیالیستی باآن روبرو می شوند تاثیر خواهند گذاشت .ولی تلاشهای اصلاح طلبی که مورد توجه قرار گرفته یابه صورت امکانات آشکار شده به حالت لغزنده باقی مانده ویا به شدت سرکوب گردید ودرنتیجه نتوانست ثمری به بارآورد.

درگیری درون رهبری روسیه که درسالهای اولیه جریان یافت، مخصوصا بعداز ضعف لنین وپس ازمرگ وی،وراهی که برای پایان دادن به این درگیری ها به کار گرفته شد ودرپی حمله های پاک سازی سخت وخونین،روند دگرگونی جامعه رامحدود کرد،به طوری که درون حزب وجامعه ودولت،سنتهائی آفریدکه جلو چند گانگی واجتهادوابتکار عمل را گرفت .ومانع روبرو شدن با خطرها وانحرافات ویا اصلاح آن هاگردید،وانبوهی ازگرفتاری ها وعوامل بازدارنده متراکم شد،وواکنش آنها درون نظام باقی ماند.هرچند این واکنش همراه باسکوت بود ولی به شکلهای گوناگون ازجمله به صورت دوری بعضی ازرهبران وسکوت عده ای،ونیز با تهدید گروهی ازنویسندگان ومهاجرت تعدادی از روشنفکران خودش را نشان داد.

ولی این کارها ازطرف رهبران ودستگاههای حکومتی با بی اعتنائی وگاهی با تمسخر روبرو گردید.

هنگامی که اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم به پیروزی رسید ،وبعد ازاینکه گروهی از کشورهای اروپای شرقی به آن پیوستند وبلوک سوسیالیستی را برپاکردند،به جای اینکه این حمایتهای جدید باعث تعدیل اساسی دردیدگاه وزیربنای نظام باشد تاباشرائط واوضاع جدید،واکنش متقابل ومناسب نشان دهد،آنچه که روی داد خلاف انتظار بود.وآن اینکه قسمت اعظم تجربه شوروی ،اگرنگوییم با تمام جزئیاتش ،نه فقط به عنوان ساختار اقتصادی واجتماعی وسیاسی بلکه به عنوان ساختار فکری نیز به دیگر کشورها در قالب روشها وسنتهای کارو روابط انتقال یافت.وآنچه که جنبه منفی این کارافزونی داده این است که رهبران واحزاب اروپای شرقی ،به دلائل مختلفی درپذیرش سیستم روسیه بسیار مبالغه کردند،کاری که بی درنگ به صورت خیزش وسرپیچی درتعدادی ازکشورها،ازجمله یوگسلاوی،آلمان،ومجارستان، وچکسلواکی چهره نشان دادو به جای اینکه این هشدارها برای درنگ ورفع نابسامانی ها کافی باشد،به شدت سرکوب گردید.وفشارها بیش ازسابق فزونی یافت.سپس درنتیجه پیروزی اتحاد شوروی درجنگ دوم جهانی وتقسیم غنائم این جنگ بااروپائیان ونیز دست یافتن به سلاحهای اتمی ودست یافتن به نقش رهبری جهانی باامریکا ازجمله عواملی بودند،نه تنها تجربه سوسیالیستی را تقویت نکرد،بلکه روش ورفتار واندیشه خاصی ازروابط را تثبیت کرد که رهبران به آن عادت کردندوآرمانهایشان رانوازش می داد واین تجربه مخصوصا نزد دستگاههای دیوان سالاری صحیح ومقتدر تلقی می شدودراین راستا نیازی به تجدیدنظروبازنگری به اوضاع وشرائط حاکم نمی دیدند.

بعد ازدرگذشت استالین،رهبران دیگری که روی کار آمدندبیشترشان عقلانیت ورفتاروی را باتوجه به اختلاف شرائط ناشی ازقدمت وموقعیت تاریخی ادامه دادند.آن رهبران نتوانستند یا اهمیت ندادندکه با ترکه استالینی روبروشوند،آنگاه کمبود امکانات یاعدم قناعت به گذراز تجربه استالینی بر آنها حاکم شد،کاری که به ایجاد مراکز قدرت ومعاهدات ودر نتیجه درگیریهای درون حزبی منجرشدواین امر باروی کار آمدن خرشچف متبلورگردید

بارزترین تلاش برای روبرو شدن باترکه استالینی دربیستمین کنفرانس حزب کمونیست شوروی تجلی یافت،آن زمان که خرشچف به نقد تجربه پرداخت وسعی کرد ،ترکیب جدیدی ارائه دهدولی طبیعت سیستم وحزب علاوه برشرائط جهانی ،اجازه نداد،یا کمک نکردکه این ترکیب متبلورشود،کاری که به شکست خرشچف وپرداخت بها منجر شد

بعداز خرشچف،شکل ظاهری ترکیب خرشچفی را انتخاب کردند نه جوهر آن را،زیرا بافت جدید بارهبری گروهی آغاز گردیدولی باردیگربه رهبری فردی با کمی روتوش خلاصه شد.برای اینکه بریژنف کم کم از میان سه رهبر جمعی به نفر اول رسید وبعد ازآن به یگانگی رهبری دست یافت.وازآن بیشتر،پیشرفت جامعه شوروی وطبیعت جو جهانی نشان داد ،که مهیابودن شرائط وامکانات جدید،نه به خاطر اعتراف به کاستیها ومشکلات وخطرهائی که جامعه راتهدید می کندو نه برای مقابله بارقابتی که نظام سرمایه داری تشکیل داده بلکه این شرائط برای انتقال از جامعه سوسیالیستی به جامعه کمونیستی امری ضروری ومناسب می دانستند.

درآنجا ازطرف رهبری جدید،گزافه گوئیها وچالشهائی وجودداشت زیرا به جای اینکه به عقب نشینی نظام سوسیالیستی درزمینه های مختلف اعتراف کند وبه رفع کاستی ها وتصحیح اشتباهات توجه نماید وبادرایت وکفایت،درمقابل رقابتهای غرب ایستادگی

کند به راه معکوس حرکت کرد.این امر دربحبوحه رکود اقتصادی وتسلط بورکراسی اداری وحزبی ودراوج مسابقه تسلیحاتی و

درسایه انقلاب فزاینده علمی وتکنولوژی که درتمام شئون زندگی انسان تاثیر گسترده ای به جا گذاشته ،به طوری که فاصله را میان مردم وحکومت را کاهش داده و امکان مقایسه وارزشیابی را آسان ساخته ،پدیدار شد.

ادامه دارد

عروسک کودک جنوب

نویسنده: عوض شعبان (لبنان)
ترجمه: فیصل بنی طی



امسال اداره دخانیات برداشت، تنباکوراخریداری نکرد. برداشت سال پیش راهم آتش خمپاره های اسرائیلی ها از بین برده بود. ای تک فرزندم، از کجا برایت تهیه کنم، عروسک سخنگویی که وعده اش رابتو داده ام، طبیعی است این عروسک زیبا وگران بهاست، وجز در خیابان «الحمراء» بیروت شبیه آن پیدا نمی شود. ای فضل، ای کودک دلبندم، بهای آن بخاطرت بی ارزش است اما لبخند تو، از هر چه که در الحمراء عرضه شده، از عروسکها، پوشاک، رستورانها وماشینهای با ارزشتر است.

من میدانم، که هر گز مرا نمی بخشی، اما ای فرزند دلبندم، باور کن، بارها می خواستم، به چیزی که به تو وعده داده ام، وفا کنم وآخرین بار هنگامی بود که به بیروت برای صدور اجازه مرخصی از اداره دخانیات به جهت کشت توتون در زمین هامان رفته بودم. همان وقت در آنجا به من گفتند که خواسته ام، برآورده شده است، لکن قیمت آن صد لیره بود. اما تو ومادرت به لباس نیاز داشتید، ناچار بودم، لباس هائی رااز بازار حراج برایتان بخرم، آنگاه خرید عروسک رابه زمان دیگر واگذاشتم. دلبندم، آرزو داشتم، که پیش از انقضای وقت، عروسک تورا در یکی از چند تعاونی که به امور ما جنوبی ها رسیدگی می کرده اند، بدست بیاورم. همان هائی که نمی دانم چرا، ما را شهروند، خود می نامند. اما روزها همواره می گذشت وعروسک مورد نظر پیش از اینکه مایه خوشی وشادی شود، فکر مرا مشغول کرده بود. بتو سوگند، برگهای توتون زردرنگ، تخته وآهن ورنگ پلاستیک رادر ذهن مجسم می کرد، حتی آنچه راکه عروسک هارابا آن می رساند.

خانم مهربانی که با او درمورد عروسک گفت وگو می کردم، هنگام بازدید از روستا همراه بعضی از کارمندان امدادگر، بسیار زیاد می خندید. نمی دانم به من یا به آنچه که می گفتم لبخند می زد اما بنظر می آمد به من می خندید. یکی از دوستانش سخنی گفت واز آن فهمیدم که خواسته ام به نظر آنها پوچ وبی ارزش است... ای کوچولوی من، عروسک زیبا وسخن گو را چگونه تهیه کنم، که هم موسیقی می نوازد، وهم آوای بلبلان وصدای حیوانات خانگی راتقلید می کند. ای فضل، حتی کشیش مهربانی که خیلی بخشنده است واز طرف دیر بسوی ما آمده بود، بخاطر خواسته ام که همان عروسک است شگفت زده شده بود وگفت صومعه چیزی جز نیازهای ضروری مردم، بر آورده نمی کند به چیزهای زینتی اهمیت نمی دهد... بایستی خدارا شکر کنیم، که نعمت دیدن وشنیدن وقدم زدن وتحمل سختی ها رابه ما داده است. عروسک ها برای ما فایده ای ندارندزیرا کودکان رااز رشد اندیشه سالم باز می دارند. کودک بی نوای جنوب، انسان کوچکی است، باید پیش از برداشت بفکر بازده کار باشد، دردهائی که از آغاز کودکی در اندیشه آنها فرو رفته، با آن ها رشد کرده وبا آنها گسترش می یابد. ای تک فرزندم می دانم بخاطر گناهی که به تو کرده ام، بایستی مرا ببخشی.

مادرت نیز مرا بخشید زیرا بخوبی شرایط مرا درک می کرد. آه اگر بدانی من ومادرت چقدر رنج وزحمت کشیده ایم وقتی که عروسک تو ای دلبندم، عروسک زیبا وسخنگویت رادر باغ نزدیک خانه مان یافتم، می توانم تصور کنم، که احساس تو چگونه خواهد بود، موقعی که زمزمه اش را می شنوی، همچو نغمه بلبلان طبیعی است بسویش خواهی دوید وشادی ترا فرا خواهد گرفت. اما چگونه خواهی بود وقتی بدانی آن عروسک مواد منفجره باشد. پس کسانی هستند که کودکان را دوست ندارند وآن عروسک را برای تو ودیگر کودکان جنوب کار گذاشته اند زیرا آنها هرگز نمی خواهند که رشد ونمو کنید.

ای فضل بدان، ای تک فرزندم، وای کوچولویم، اکنون به چیزی که بتو می گویم گوش بده: مادرت در کنار قبر کوچکت زانو زده ودیگر گریه سر نمی دهد. واشک در دیدگانش خشک شده، مبلغ ناچیزی که مجلس جنوب آنرا در دیدگانش خشک شده، بعنوان خون بها بما داده بود، اگر در صورت امکان بتوانیم آنرا از بین ببریم وتنها صد لیره از آن برای خرید عروسک نیاز است اگر آنچه اتفاق افتاده بود روی نمی داد، آیا کسی به فکر ما می افتاد؟

امروزه آنها از ما سخن می گویند در تمام جلسه هاشان از تیربختیهای ما گفت وگو می کنند. وحتی آن خانم مددکار هم تأسفش برای ما برانگیخته شد وکشیش مهربان هم بخشیدگی صومعه را افزون تر کرد... دلبندم نمی دانستم که تو تا این اندازه با ارزش هستی تو ودیگر کودکان جنوب سمبل فداکاری هستید زیرا این گونه جان سپردن همگام بازمان رشد خواهدکرد. اما این درد ترا جبران نخواهد کرد وهمیشه در فقدان تو احساس ناتوانی خواهم کرد وموقعی که به قبر کوچکت سر می زنم، مادرت را زانو زده می بینم با چشمانی که اشک در آن ها خشک شده است. ای تک فرزندم تو دیگر بزرگ نخواهی شد درد من بعد از تو گسترش خواهد کرد که ترا کشته ام پدرت هستم وباعث مرگ تو شده ام. ای کاش فرزندم نبودی، تنها فرزند دیگری بودی، در شهری که دود در آن نباشد وکودکان بتوانند عروسک هایشان را برای بازی وشادی بیابند.

سخنی با ملت آمریکا

عوده ابو علی عفراوی

درحدود ۶۰۰-۵۰۰ سال پیش قاره ای بنام امریکا به روی جهان ما گشوده شد گویند که کریستف کلمب پرتغالی آنرا کشف کرد ولی به نظر میرسد که اعراب قبل ازآن به آنجا رفته بودند.

سالها بعدکه مهاجرت اروپائیان به آن آغاز شد دیری نپائید که امریکا به ابر قدرت سیاسی - اقتصادی - نظامی جهان تبدیل شد.

ما می دانیم آمریکاکشور بزرگی است، از نظر تکنولوژی، صنعت علم وحرفه پیشرفته است. هم چنین می دانیم که از نظر نیروهای هسته ای وفضائی نیز کشور قدرتمند ای است ما می دانیم که امریکا نیز بخاطر استقلال وآزادی جنگیده وخونها داده است. اینها واقعیتهائی است انکار نا پذیر ولی با توجه به این همه پیشرفت با مشکلات وبحرانهای زیادی روبرو است، از نظر اقتصادی، اجتماعی وخصوصاً اخلاقی در بحرانها وناهنجاریهای فراوانی غوطه‌ور است.

تاریخ آمریکا رانیز پس از استقلال می شناسیم بخصوص در پنجاه ساله اخیر که یکی از سیاه ترین دوران های بشر برای آنها رقم خورده است ریختن بمب اتم برروی مردم بی گناه هیروشیما وناکازاکی (من قتل نفساً بغیر ذنب فکأنما قتل الناس جمیعا)، جنگ بر علیه مردم ویتنام، کودتا های فراوان مثل کودتا بر علیه، کودتا بر علیه مصدق حمایت از صهیونیزم در چندین جنگ بر علیه اعراب. گماردن حکام دست نشانده در بسیاری از کشور های جهان بخصوص ایران، شیلی، فلیپین، گرجستان، تایلند وکشورهای عربی مانند اردون، سوریه، و... دیگر کشورهای خلیج نشین، هم چنین علاوه برگماردن دست نشانده ها، وتربیت نیروهای اطلاعاتی وامنیتی شکنجه گر دراین کشورها وده ها وصدها کودتا، تحریم وجنگ دیگر از اعمال ضد بشری آمریکا بوده است. ودر حال حاضر نیز که جنگ بر علیه مردم مسلمان عراق وارد دومین سال

تاریخ آمریکا را نیز پس از استقلال می شناسیم بخصوص در پنجاه ساله اخیر که یکی از سیاه ترین دوران های بشر برای آنها رقم خورده است

خود شده است ماهیت جنگ افروزی، شکنجه گری وزورگویی این کشور پیشرفته وبزرگ برای همه ملل آشکار شده، زیر پا گذاشتن همه قوانین بین المللی وعرفی مذهبی از این کشور بزرگ بارز وهویدا شده است.

حال می خواهم این رابگویم این همه انحراف از اصول اولیه اجداد ونیاکان شما که برای آزادی خون دادند، عدم تأمل وتفکر شجاعانه است که هنوز هیئت حاکم امریکا بدست نیاورده اند.

می خواهم این نکته را یاد آوری کنم که اتحاد جماهیر شوروی نیز همانند شمادر حدود یکصد سال پیش برای آزادی وعدالت انقلاب کردند وانقلاب آنان نیز پس از چندین سال به انحراف کشیده شد وانتقاد از درون وبرون کشور آغاز شد. هیئت حاکم اتحاد جماهیر شوروی سابق فرصت آنرا یافتند که تأمل کنند وبه قضایا ومشکلات وانتقادها بیندیشند واقعیتها را با جان ودل پذیرفتند ودست به اقدام شجاعانه ای زدند ویک بار دیگر نیز بر علیه خود انقلاب کردند وخود را از انحراف وورطه هولناک استبداد وظلمات بیرون کشیدند. اگر چه از نظر ما هنوز بخاطر ضعف ایدئولوژیک و بودن آن هنوز خطاهائی وجود دارد ولی می توان اعتراف نمود که کشور خود وجهانیان رااز ورطه هراسناک جنگ هسته ای خارج ساختندواین انتخاب واقدام بزرگی وشجاعانه ای است که جای تقدیر دارد حال نمی خواهم وارد جزئیات شده وهمه آنچه رادراین پنجاه سال اخیر اتفاق افتاده توضیح دهم ولی می خواهم به شما بگویم که درک واقیتها وانتخاب صحیح امروز به دست شما وملت آمریکا است.

خودمدارانه اقدام کردن مانند سیاست افراد گونه ای همچون بوش وبراساس تصورات وتوهمات غیر واقعی ویا هنجار شکنی روشن وواضح (قصد خروج از قوانین بین المللی ومذهبی می باشد) وحمله به یک کشور مسلمان عضو سازمان ملل ودارای تاریخ وفرهنگ کهن کشتن مردم بی گناه، زندانی کردن وشکنجه کردن آنها چیزی جز از افراد دیوانه سر نمی زند. این ها حرفها ئی است واقعی منطبق با گفتار وتفکرات علمی جهان امروزمی باشد.

در هر صورت وقت آن رسیده که دست به انتخاب شجاعانه و صحیح بزنید. مردم جهان بیدار و هوشیار شده اند، دیگر با توجه به همه کانالهای خبری چیزی بر مردم جهان پوشیده نمی ماند امروز همه جهانیان از اعمال ننگین شمادر عراق متنفر ند این لکه سیاه وننگین بر پیشانی شما چک شده، بنابراین از آنچه اتفاق افتاده ومی افتد جلوگیری کنید واین لکه ننگین رااز خود پاک کنید.

درغیر اینصورت شکست شما حتمی است متأسفانه شما، همه غرب را می گویم، با توجه به همه پیشرفتهای علمی وتکنولوژی هنوز قادر به شناخت انسان واسلام نشده اید. شما باید این را بدانید که مردم مسلمان برداشتهای مختلفی از اسلام دارند وآنها طیف وسیعی از درک اسلام دارند

متأسفانه شما، همه غرب را می گویم، با توجه به همه پیشرفتهای علمی وتکنولوژی هنوز قادر به شناخت انسان واسلام نشده اید. شما باید این را بدانید که مردم مسلمان برداشتهای مختلفی از اسلام دارند وآنها طیف وسیعی از درک اسلام دارند

که ناشی از شخصیت افراد یا ناشی از متأثر شدن از اوضاع واحوال اجتماعی تاریخی دارند خود اسلام بعنوان یک ایدئو لوژی بنابراین می خواهم این یاد آوری کنم که امروز همه مردم جهان بخصوص مردم مسلمان از اقدام شما در عراق بیزار ومتنفرندقادر به پذیرش هیچ فرد غربی وخصوصاً آمریکائیان را ندارند لذابایست که شما می توانید با انتخاب صحیح از آنچه بیشتر اتفاق می افتد وآینده جهان را بخطر می اندازد، وامنیت وآزادی جهانیان رابه مخاطره می اندازد، جلوگیری کنید.

می خواهم این نکته رابه شمایادآوری کنم که ملت مسلمان ودین اسلام با مردم غرب وآمریکائی دشمنی ذاتی ندارند بلکه این دشمنی ناشی از رؤیه سیاست گذاری غلط دولت مردان آمریکائی وسیستم حاکم وایدئو لوژی آنهااست. اسلام دین آزادی وسلامت است، دین اسلام برای همه جهانیان فرستاده شدوخاص گروه یا قومیت ویژه ای نیست. اسلام دین محبت است واسلام جنگ وخون ریزی بخصوص کشتن افراد بی گناه رامعادل کشتن همه مردم جهان می داند.

اینک زمان آن فراهم آمده که شما با اتخاذ سیاست صحیح وتدابیر ویژه بار دیگر وهمانند آنچه رهبران گذشته اتحاد جماهیر شوروی انجام دادند بکارگیرید وخود وجهانیان رااز خطر بزرگ تر کشتار انسانهای بیگناه وسلب امنیت جهانیان برهانید.

درپایان این نکته اساسی رابه شما تذکر میدهم که یک اصل روانشناختی وجوددارد که می گوید این پرخاشگری نتیجه محرومیت وناکامی است، امروز آنچه بنام تروریسم اتفاق می افتد نوعی پرخاشگری معطوف به علت که همان استبداد وزورگویی امریکامی باشد. که پایان یافتنی آن به جز رفع محرومیت واستبدادنیست. در غیر آن همه عواقب آ آنچه رخ خواهد به گردن شما است امید است برگ تازه ای در تاریخ کشور آمریکا ورق بخورد ودست به تغییرات اساسی ایدئولوژی حاکم، در سیستم حاکم در تفکر وفرهنگ حاکم بر امریکا بزنید. دموکراسی خواسته همه بشریت روی زمین می باشد. وهیچ وقت بازور نمی توان قلبها را تسخیر کرد. نمی توان با تزریق افکار را تغییر داد.

دموکراسی خواسته همه بشریت روی زمین می باشد وهیچ وقت با زور نمی توان قلبها را تسخیر کرد نمی توان با تزریق افکار را تغییر داد

نمی خواهم بسیار دقیق شوم و وارد همه جزئیات گردم فقط بااین گفته حرفهایم رابه پایان می برم که با همه شیوه هائی که بکار خواهید بست نمی توانید جلوی تکامل را بگیرید - ودر نهایت انسان پیروز خواهد شد.

...ان لعنه الله علی الظالمین، الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجاً...

هواپیما ربایان

Tim vicaryr
قسمت نهم ترجمه بااندکی تلخیص واضافه: توفیق ربیعی

در هواپیما کارل وهارالد در حالیکه به یکدیگر دسبند شده بودند مبهوت کنار درب هواپیما به مرد پیراهن مشکی ودختر جوان نگاه می کردند مرد ریشو در کابین خلبان بود هارالد دستی بر سرش کشید سرش ضربه دیده بود از سرش خون می چکید کارل با ناراحتی گفت:

-هارالد تو زخمی شدی!؟

هارالد جواب دا:

-آره.. سرم آسیب دیده... شاید هم شکسته، نمی تونم خوب ببینم!

کارل اخمهایش را جمع کردوبه دختر هواپیما ربا گفت:

-این مرد به دکتر نیاز داره!

دختر جوان نیشخندی به کارل زد وگفت: -این مشکل همسرته.. نه من.. اگر برادران ما آزاد بشن اون هم می تونه بره پیش دکتر!!

کارل دیگر اصرار نکرد گفت: -چند سالته؟

دختر جوان ابتدا جوابی به او نداد ولی بعد از تکرار سؤال کارل گفت:

-۱۸ سال شاید هم ۱۹

کارل لبخندی زدو گفت: -سن زیادی نداری... تو فقط یک بچه ای!

چهره ی دختر جوان از عصبانیت سرخ شدبا ناراحتی گفت:

-بچه نیستم... داری می بینی که دست به چه کار بزرگی زدم!

کارل گفت: -تو فقط دو سال از دخترم سارا بزرگتری.. راستی چرا دست به هواپیما ربائی زدید؟ هیچ یک از مسافرین هواپیما آزاری به شما نرسوندن... همه ی ما بی گناهیم... مردی که کشته شدجاسوس نبود بلکه تنها تاجر آمریکایی بود...

کارل مکثی کرد ودوباره گفت: -چرا می خواهید همه ی مارو بکشید؟

دختر جوان مضطربانه وبا ناراحتی نگاهش کرد اسلحه اش رابه سمت سر کارل نشانه رفت وگفت: -میل ندارم تورو بکشم... فقط از دولت واز رئیس آن، همسرت می خوام که برادرانمون رو آزاد بکنه...

کارل گویی بادختر جوان هواپیماربا مشاجره می کرد که گویی بادخترش سارا مشاجره می کند ودوباره گفت: -اما برادرانت (افراد گروه شما) سعی کرده بودند بمبی رادر هواپیما جا سازی کنند آنها می خواستند مسافرینی مثل مارو بکشند!!

دختر جوان با عصبانیت گفت: -هیچ کس بی گناه نیست! انسانهایی مثل شما، همسرت واون آمریکایی... شما ملت ماروواسیر کردید... لابد نمی دونید که من با چه مذلتی بزرگ شدم... پس بهتره بدونید!!... حتماً می توانید تصورش را بکنید که زندگی ۱۰ نفر در یک اتاق، بدون حمام، بدون آب وبدون هیچ چیز دیگر چگونه است والدینم بیکار بودند.. دریغ از نان شب؟!... شهر ۱۲هزار نفری ما همش ۱۰ کیلومتر با شما مردم ثروتمند با آن خانه های بزرگ ومجلل وبهترین ولوکس ترین ماشینها فاصله داشت ولی شما همه چیز رااز ما دریغ کرد... آره همه چیز !! در حالیکه همه ی ما بی گناه بودیم مثل شما!!

-دختر جوان اکنون فریاد می کشید بغض خفه اش کرده بود واشک در چشمانش حلقه بسته بودند کارل وهارالد به دقت به او زل زده بودند دراین هنگام مرد ریشو (رئیس هواپیما ربایان)

از کابین خلبان خارج شد دستی بر بازوی دختر گذاشت وگفت:

بسه دیگه... با اونها صحبت نکن!

مرد ریشو پس با اسلحه اش به صورت کارل ضربه ای زد وگفت:

-دهانت را ببند... عوضش به همسرت فکر کن.. فکر می کنم اون تورو فراموش کرده....

کارل ناراحت شد دستش رابر دهانش گذاشت. دهانش خونی ویکی از دندانهایش شکسته شده بودبعد نگاهی به ساعتش کرد ۲/۲۳ نیمه شب بود تنها ۷ دقیقه دیگر برای قربانی دوم فرصت باقی بود که بدون شک نفر دوم کسی غیر از کارل نبود بیدرنگ دخترش سارادرذهنش خطور کرد آلبوم وار خاطرات گذشته در یادش نقش بستند سارا در کودکی از سر وکول پدر بالا می رفت بهانه همه چیز را می گرفت از شکلاتها گرفته تا تفریحاتی مثل شنا ودوچرخه سواری، خلاصه همه چیز... اما درعوض پدر صبور بود وبا حوصله همانند سربازی گوش به حرف دخترش بود، اورا بیش از حد دوست می داشت رشته افکار کارل با صحبت هارالد از هم گسیخت: -به چی فکر می کنیدقربان؟

کارل گفت: -مروری به گذشته بود اما دیگر مهم نیست....

ادامه دارد ...

نقش ایمان در درمان بیماریها

دکتر حسین کاملی



موجی از تحقیقات اخیر نشان داده که اندک اندک دیوار بین آزمایش ومراکز درمانی از یک طرف ونیز مراکز عبادت از طرف دیگر در حال فروپاشی است.برای تحقیقات نشان داده اند افرادی که بیش از یک بار در هفته به مرکز عبادت می روند بطور متوسط نسبت به دیگران هفت سال بیشتر عمر می کنند.این حقیقت که افراد مزبور احتمال کمتری دارند تا مواد مخدر یا مشروبات الکلی مصرف کنند یا روابط نامشروع جنسی داشته باشند می توانند ارتباط موجود را تا حدی تبیین کند.

در این مقال به ذکر مثالهایی از تأثیر شفا بخش ایمان می پردازیم.

۱- در یک بررسی طولانی از سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۵ از ۲۱۰۰۰تفر نشان داده شد که در میانگین سنی افرادی که هفته ای یک بار به مراکز عبادت میروند وافرادی که هرگز چنین مراجعه ای نداشته اند اختلاف سنی هفت ساله وجود دارد.

۲-طی تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ در دانشکده پزشکی دارت ماث انجام گرفت بیمارانی که با نیایش و به جا آوردن تکالیف مذهبی به آرامش رسیده اند نسبت به کسانی که در مذهب آرامش نیافته اند در عمل جراحی قلب شانس سه برابر دارند.

۳-در تحقیقاتی که در سال ۱۹۹۷ در هندوستان انجام شد محققان با این مطلب روبرو شدند که بیشتر هندوهایی که بطور منظم عبادت میکنند احتمال اینکه به بیماری مربوط به انسداد سرخرگ قلب دچار شوند ۷۰در صد کمتر است.

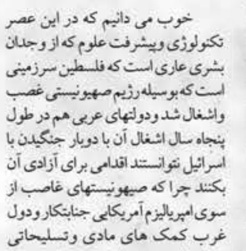
۴- در تحقیقاتی که از (۴۰۰مرد قفقازی در جورجیا به عمل آمده است محققان دریافته اند که در مقابله بافشارخون بالا باورهای کسانی که مذهب رابسیار بااهمیت می دانند وبطور مرتب درمراسم مذهبی شرکت میکنند تأثیر حفاظتی چشمگیر ی دارد

۵-مدیرآموزش انجمن ملی تحقیقات بهداشتی آمریکامیگوید که تردیدی نیست در زمینه بیماری پیشرفت علم باورنکردنی است مادر قرن بیستم متوسط عمر راتقریباً به اندازه دو سوم افزایش داده ایم ودر تحقیق این امر علم بیشترین نقش را داشته است اما علم همه ماجرا نیست وقتی شما از جنبه جسمانی به مرد نگاه کنید شاید برخی از حقایق پنهان بماند ودر این میان ایمان نقش کلیدی در درمان بیماریها دارد.

۶- گزارش یک بررسی که در سال ۱۹۹۹ در دانشگاه داک روی ۴۰۰۰بزرگسال به عمل آمد حاکی از آن است که حضور در عبادتگاه وکاهش اضطراب ونگرانی با یکدیگر مناسبت دارند.

۷-هربرت بنسون، پزشک دانشکده پزشکی هاروارد می گوید:افرادی که تحت فشارهای روانی قرار دارند به افزایش فشار خون وافزایش ضربان قلب وآهنگ تنفسی مبتلا هستند وبدن آنها تحت فشار بوده، ایمنی آن کاهش می یابد و در مقابل انجام یک عمل نیایش با کلمات ساده می تواند

رمضان طرفی



خوب می دانیم که در این عصر تکنولوژی وپیشرفت علوم که از وجدان بشری عاری است که فلسطین سرزمینی است که بوسیله رژیم صهیونیستی غصب واشغال شد ودولتهای عربی هم در طول پنجاه سال اشغال آن با دوبار جنگیدن با اسرائیل نتوانستند اقدامی برای آزادی آن بکنند چرا که صیهونیستهای غاصب از سوی امپریالیزم آمریکایی جنایتکار ودول غرب کمک های مادی وتسلیحاتی پیشرفته ومدرن روز در اختیار دارند که به تفوق نظامی در منطقه دست یافتند ودر طول حیات ننگی خود سه بار مورد هجوم وتصرف قرار گرفتند یکبار در زمان خلافت خلیفه دوم عمر خطاب وبار دوم بوسیله قیادت ورهبر اسلامی صلاح الدین ایوبی اورشلیم قدسی را فتح شد وبا رسوم با شلیک ۶۰ موشک زمین به زمین بنام موشک های امام حسین (ع)توسط ارتش عراق در سال ۱۹۹۱ میلادی لورشلیم کوبیده شده باکوبیدن اورشلیم بوسیله موشکهای امام حسین علیه السلام بهانه ای شد تادول غرب به سرکردگی امپریالیزم آمریکای جنایتکار بغداد را به ویرانه ای بدل کنند. بعد با ارائه نظم نوین جهانی به خلع سلاح منطقه بپردازند وتداوم حیات اشغالگری صیهونیست ها را ممکن سازند.باز فلسطین تنها ماند وبازهم حامیان آهنا رسوا شدند تا اینکه عدهای از فرزندان رشید فلسطینی با انقلاب انتفاضه واستفاده از کارخانه اسلحه سازی خداوند متعال که همانا((الحجاره))که ارتش ابره ها یا نجاشی تار ومار کردند وآموزش در آموزشگاه نظامی ((طیر ابابیل))ویا استراتیژی((ترمیهم بحجاره من سجیل))مبارزه راهرچه بیشتر شدت بخشیدند وعرصه جنگ راهرچه محکمتر وبیشتر وسخت تر به شارون وبوش جنایتکاران تنگ تر کرده وامید پیروزی نوید میدهند وآزاد سازی فلسطین غصب شده راهرچه سریعتر شاهد خواهیم بود ودر آینده نه چندان دور حول وقوه الهی آزاد سازی فلسطین را جشن خواهیم گرفت.

حکایت از این دیار

محسن ساکی

آفتاب گرم تابستان وسط آسمان رسیده بود ومستقیم به زمین می تابید. شدت گرما به حدی بود که گویا از آسفالت داغ خیابانها ی شهر اهواز شعله های آتش به آسمان بر می خواست واین چنین احساس می شد که خورشید فروزان وسوزان وآسفالتهای داغ شهر مشغول عشق بازی گرمی هستند که چنین گرما وحرارتی از آنها بر سر مردم این شهر فرو می ریزد وگرمای بالای ۵۰درجه وحرارت این عشق بازی تا مغز استخوان مردم اهواز را می سوزاند. وشاید هم گرمای زیادی که از آسفالت خیابانها ی شهر اهواز متصاعد می شود بدلیل وجود منابع بسیار عظیم وغنی زیر زمینی نفت وگاز باشد! خدا میداند....دراین هنگام در یکی از خیابانهای تَف دیده شهر مرد میانسالی را می بینم که با چهره سوخته ومشکوک ولبهای سیاه سوخته که ته سیگاری بر آنها نقش بسته یا بقول بعضی ها با قیافه ای تابلو ودستمال یزدی دور گردن عرق ریزان صورتش راپاک می کرد، در حال گذر بود وبه دنبال او کودک خردسالی با چهره ای معصوم به مانند پرنده ای در قفس شده دست کوچک وکودکانه ی خودرا در دست لرزان وسوخته پدری نامهربان نهاده بود وهراز گاهی معصومانه به پدر نگاه می کرد وبا نگاههای خویش می خواست به او بفهماند که: «بابا جون، بابا ی عزیزم کمی آهسته تر خسته شدم هوا خیلی گرمه منو بلند کن. منو در آغوش بگیر» ولی نگاههای غضب آلود پدر با آن چشمان فرورفته وسیاه سوخته بغض رادر گلوی آن طفل معصوم می فشارد وچون اسیری زنجیر بدست بدنبال پدر حرکت می کند وسخن ناگفته وی آرام آرام تبدیل به دانه های بلورین اشک می شود وبر گونه های کودکانه او جاری می گردد. وحتی این قطره های کودکانه هم نتوانست مقداری از گرمای آتشین شهر را فرو نشاند.

نگاه پدر به دکه سیگار فروشی آن سوی خیابان می افتد. در حال گذراز خیابان کودک خردسال دست کوچکش رابه طرف مغازه ای که در ویترین آن انواع خوردنیها مانند: پفک، کیک، بیسکویت وشکلات چیده شده بود اشاره می کند. که باز هم آن پدر نامهربان با نگاههای تند خود یک سیلی محکمی به صورت طفل معصوم می زند وگونه های اورا سرخ وآتشین می سازدوباز هم آتش سیلی وسرخی صورت این کودک نتوانست مقداری از گرمای این شهر را بکاهد وطفل نیم نگاهی همراه با ترس ووحشت به پدر ونیم نگاهی متعجب عاجزانه به زمین وآسمان می اندازد واز تقاضای خود پشیمان می شود وباز هم چون اسیری زنجیر بدست بدنبال پدر فلک زده خود حرکت می کند.به آن دکه می رسند وبابای فلک زده ونامهربان در مقابل دیدگان حیرت زده طفل معصوم یک اسکناس مچاله شده هزار تومانی سبز رااز جیب خود بیرون می آورد وبه دست صاحب دکه می دهد ودست کودک خودرا رها می کند وبسوی مرد دکه دار دراز می کند وآن مرد یک تیکه ی کوچک قهوه ای رنگ سوخته ای راکه با پلاستیک کوچک پیچیده شده بود در دست او قرار می دهد وپدر نامهربان سریع آنرادر جیب خود قرار می دهد واز آنجا دور می شود واین مبادله آنچنان سریع انجام شده که پسرک فقط توانست سبزی رنگ اسکناس راببیند وتنها چیزی که از این جریان باقی می ماند نگاههای وحشت زده ونگران کودک معصوم، وآینده نامعلوم ومبهم او وهمچنین گرمای سوزان وطاقت فرسای شهر.



دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۸۳ - ۱۶جمادی الاول ۱۴۲۵ - سال چهارم - شماره ۴۷ - ۱۰۰۰ریال

مهندس سیاحی مدیر عامل آب وفاضلاب استان:

در هیچیک از شهرهای استان مشکل آلودگی آب نداریم

مهندس احمد سیاحی مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب استان خوزستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی عملکرد شرکت آب وفاضلاب استان در سال گذشته و برنامه های آینده راتشریح کرد.ایشان در آغاز سخنان خود با ابراز خرسندی وتشکر از همکاری متقابل مطبوعات ومدیر یت روابط عمومی آبفای خوزستان در اطلاع رسانی دقیق به مردم گفت:

به فرمایش امام راحل که مردم خوزستان دین خود را به اسلام ادا کردند شایسته است که خدمات که به نحو مطلوب به آنها ارائه - شود با عنایتی که دولت کریمه جمهوری اسلامی وبه تبع آن وزارت نیرو «آب وفاضلاب کشور» ومسؤلان استانی به ویژه شخص استاندار محترم دارند انشاءالله روز به روز شاهد حل مشکلات آب وفاضلاب باشیم. هفته ای که گذشت هفته ی صرفه جویی در مصرف آب بود.وقتی بحث صرفه جویی مطرح می شود منظور کم مصرف کردن با ریاضت کشیدن دررابطه باعث آب نیست وخداوند رحمان می فرماید «وجعلنا من الماء کل شی حی» از سوی دیگر شرایط محدودیت منابع آب ورشد جمعیت کشور ایجاب می کند که مدیریت مصرف وتقاضا راداشته باشیم. برخی گمان می کنند چون خوزستان استان پر آبی است ومصطلح است که ۷۳ آب کشور رادارااست بنابراین نباید در مصرف صرفه جویی کرد.کشور کانادا بزرگترین کشور صادر کنند بیشترین صرفه جویی رادراین بخش دارد. در خوزستان با توجه به هزینه ای که جهت تولید آب مصرف می شود باید بیشتر از منابع ملی محافظت نمود.

مهندس سیاحی درابتدای این جلسه به تشریح برنامه های شرکت آب وفاضلاب استان پرداخت وگفت: از ابتدای سال۸۱سعی کردیم براساس اولویت بندی، خط مشی شرکت راترسیم کنیم و بر اساس اولویت بندی مشکلات موجود آب وفاضلاب رادر شهر های استان حل نماییم.مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب استان به اعتبارات جلب شده در سال ۸۱ و۸۲ اشاره کرد وگفت: میزان اعتبارات جذب شده در دوسال گذشته ۶۵۰ میلیارد ریال بوده است که از این رقم ۳۲۳ میلیارد ریال در سال ۸۲هزینه شده است. ایشان در ادامه به تشریح سر فصل اقدامات انجام شده در طول ۲ سال گذشته پرداخت وافزود: خط انتقال آب آبادان وخرمشهر - فاز ۲ انتقال آب شوشتر به اهواز- طرح جامع تصفیه خانه آب اندیمشک - آغاجاری- ملاثانی - لالی وطرح آب رسانی به شهر علوان سر فصل عملکرد این شرکت در طی ۲ سال گذشته است.وی تصریح کرد: عملیات اصلاح وبهسازی شبکه های آب در ۲۶ شهر وعملیات تأمین آب واصلاح تصفیه خانه در ۱۴ شهر واجرای شبکه فاضلاب در ۱۰ شهر استان از شاخص برنامه های ما در سال جاری ۸۳ خواهد بود.

سپس وی به میزان اعتبارات مصوب در سال ۸۲اشاره کرد وخاطر نشان ساخت : میزان اعتبارات مصوب دراین سال ۳۵۶ میلیارد ریال بوده است که از این رقم ۱۳۹ میلیارد ریال از طریق طرح ملی آب رسانی و۴۷ میلیارد ریال از طریق طرح استانی آب رسانی و۱۷۰ میلیارد ریال در ارتباط با طرح فاضلاب استانی تأمین شده است .وی اظهار امیدواری کرد که تا پایان تیر ماه سال جاری حدود ۳۳۰ میلیارد ریال جذب اعتبار کنیم. وی در ادامه به میزان اعتبارات سال ۸۳ شرکت آب وفاضلاب استان اشاره کرد وگفت: میزان اعتبارات اعلام شده که در حال عقد موافقت نامه آن هستیم ۲۵۳ میلیارد ریال است و۱۲۱ عقد موافقت نامه آن هستیم ۲۵۳ میلیارد ریال است و۱۲۱ میلیارد ریال هو از طریق طرح ملی آب رسانی و۴۵/۵ میلیارد ریال از طریق طرح استان آب رسانی که مجموعاً رقمی بالغ بر

بنا به اعلام اداره بهداشت استان میزان مطلوبیت آب خرمشهر ۹۹٪ ومیزان مطلوبیت آب آبادان ۹۶٪ می باشد و می توان گفت که بحمدالله در هیچیک از شهرهای استان مشکل آلودگی آب نداریم

۴۱۹ میلیارد ریال می شود اعتبار خواهیم داشت که این رقم نسبت به سال گذشته ۲۷٪ رشد نشان می دهد.مهندس احمد سیاحی به تشریح طرحها واقدامات سال جاری اشاره نموده وتصریح کرد: اصلاح وتوسعه شبکه آب به میزان ۴۶ کیلومتر- اصلاح وبازسازی شبکه آب به میزان ۱۰۰ کیلو متر - خطوط انتقال آب به میزان ۳۳ کیلومتر - احداث وتوسعه شبکه فاضلاب به میزان ۱۰۲ کیلومتر -خطوط انتقالآب وفاضلاب ۲۰ کیلو متر جزو برنامه های سال جاری ماست. مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب استان به طرح های آماده افتتاح این شرکت اشاره کرد وگفت: طرح جامع تصفیه خانه آب مسجد سلیمان با ظرفیت ۱۲۰هزار متر مکعب در شبانه روز با اعتباری بالغ بر ۳۹ میلیارد ریال وطرح تصفیه خانه آب هندیجان با ظرفیت ۹هزار متر مکعب وبا اعتباری بالغ بر ۹/۵ میلیارد ریال وطرح جامع تصفیه خانه آب سوسنگرد با ظرفیت ۲۱۵۰۰ متر مکعب در شبانه روز وبا هزینه ۱۵ میلیارد ریال وهمچنین فاز دوم انتقال آب شوشتر به اهواز ۱۲۵ ایستگاه آب پخش با هزینه قریب ۸۵ میلیارد ریال وکلنگ زنی طرح جامع تصفیه خانه آب دزفول با ظرفیت ۵۴ متر مکعب در شبانه روز وهزینه ای بالغ بر ۴۵ میلیارد ریال وعملیات احداث ۸ تصفیه خانه از اقدامات مادر سال ۸۳ خواهد بود. مهندس سیاحی شایعه آلودگی آب آشامیدنی خرمشهر وآبادان رابه شدت تکذیب کرد وگفت: ادرات تابعه این شرکت وآزمایشگاه مجهز آن وآزمایشگاه مرکزی محیط زیست واداره بهداشت استان همگی بر مطلوبیت آب این دو شهر صحه گذاشته ورسماً آلوده نبودن آنرا تأید کرده اند وی اضافه کرد: بنا به اعلام اداره بهداشت استان میزان مطلوبیت آب خرمشهر ۹۹٪ ومیزان مطلوبیت آب آبادان ۹۶٪ می باشد.و می توان گفت که بحمدالله در هیچیک از شهرهای استان مشکل آلودگی آب نداریم .همچنین ایشان با اشاره به مشکل عدم پرداخت دیون وبدهیهای ادارات وبخش خانگی ضمن درخواست کمک ازمطبوعات در جهت حل این معضل میزان مطالبات این شرکت را۸۱۱میلیارد ریال اعلام کرد وگفت:از این رقم حدود ۴۳٪ مربوط به بخش خانگی است ونیروهای مسلح با ۱۲٪ وشرکت آبفای روستایی با ۱۰/۴در صد بیشترین بدهکاران بخش دولتی این شرکت راتشکیل می دهند. وی جیره بندی آب دراستان خوزستان رادر تابستان سال جاری منتفی دانست وخواستار صرفه جویی مردم استان در مصرف آب شد.مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب استان تصریح کرد: تأمین آب روستاهای مسیر خط انتقال آب شوشتر به اهواز عملیات اجرایی آن شروع شده است که هزینه این طرح بالغ بر ۱۱ میلیارد ریال است. وی روستا های گلالک شوشتر- عرب حسن - نقش بار - ملا ثانی - ویس - شیبان - سویسه-سلمانیه که مجموعاً ۱۳ ایستگاه آب پخش را تشکیل می دهند را مشمول این طرح دانست. مهندس سیاحی به تشریح طرح های میان مدت ۵ ساله وبلند مدت ۲۰ ساله شرکت آب فاضلاب استان پرداخت وخاطر نشان ساخت در ۲۹ شهر استان ۵۷۲۶ میلیارد ریال در طول ۲۰ سال آینده اعتبار تخصیص داه شد ودر سال های ۸۴ تا ۸۸ رقمی بالغ بر ۱۸۳۰ میلیارد داده اعتبار جذب خواهد شد. وی به ویژگی های طرح جامع تصفیه خانه آب مسجد سلیمان اشاره کرد وگفت: این طرح با ظرفیت ۱۲۰ هزار متر مکعب در شبانه روز شامل حوضچه ته نشینی - ۱۳ واحد تحت فشار تمام اتوماتیک مخزن ۸هزار متر مکعبی تقویت ایستگاه پمپاژ با شش دستگاه الکترو پمپ - دیوار کشی- محوطه سازی- تقویت آب گیر وافزایش ظرفیت برق ونصب ترانس رادر ردیف طرح های کم نظیر در کشور وبی نظیر در استان قرارداه است. همچنین ایشان از کسب رتبه دوم کشور از لحاظ عملکرد پس از استان تهران خبر داد وگفت: این شرکت با کسب ۹۳ امتیاز حائز رتبه شده است

وی درخصوص بازسازی شبکه های فرسوده گفت:شبکه های آب وفاضلاب فرسوده شهرهای استان در دست بازسازی هستند. احمد سیاحی با بیان این که اقدامات اساسی وجدی درباره تصفیه خانه های شهر هایی استان انجام شده است اظهار داشت: سال گذشته یک میلیارد تومان برای این کار مصوب شد که فقط ۳۰۰ میلیون تومان از این میزان پرداخت شد ولی از محل منابع داخلی واعتبار مصوب شده اصلاح وبازسازی تصفیه خانه های آب وآبادان وخرمشهر را انجام دادیم. وی افزود: هم اکنون آب مناسب ومطلوبی رادر این دو شهر تولید می کنیم که مورد اذعان قسمت اعظم مردم ومسؤلان این دو شهر قرار گرفته است.

سیاحی درباره اصلاح وبازسازی شبکه های آب وفاضلاب شهر ها با این توضیح که این شبکه ها رگ های حیاتی شهر ها هستند اظهار داشت: چون اعتبارات این بخش استانی است انتظار ما این است که عنایت بیشتری را مسؤلان استانی نسبت به این مسأله داشته باشند. مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب خوزستان گفت: در سال گذشته نزدیک به ۳/۵ میلیون تومان رادر این زمینه هزینه کردیم ولی میزان اعتبارات مورد نیاز سالانه قریب ۸/۵ میلیارد تومان است در ده شهر استان شامل آبادان، خرمشهر، شادگان، بندر امام، ماهشهر، دشت آزادگان، بستان، هویزه، رفیع وسوسنگرد ورامهرمز عملیات اجرایی فاضلاب در دست اقدام است.

جشنواره افتخارات آموزش وپرورش ناحیه دو

مطلع شدیم که مدیریت آموزش وپرورش ناحیه دو اهواز اقدام به برگزاری اولین جشنواره تقدیر از دانش آموزان ،معلمان،مربیان،مدیران و اولیاء موفق با نام افتخار در تاریخ ۳۰ خرداد در تالار مهر نموده به همین منظور با آقای حاج عزیزمزرعه معاونت آموزش عمومی ناحیه که مسئول جشنواره هم می باشند گفتگویی انجام دادیم که میخوانید:

جناب آقای مزرعه هدف شما از برگزاری چنین جشنواره ای چه بود؟

.ضمن عرض خوشامدگویی خدمت شما از اینکه قبول زحمت فرمودید وجهت انعکاس این امر مهم اهتمام نمودید کمال تشکر وقدردانی رامی نمایم. اهدافی که جشنواره به دنبال حصول آنها است وجهت تحقق آنها صورت گرفته عبارتند از:

۱-تقدیر از زحمات دانش آموزان ،معلمان،مدیران،واولیای موفق.

۲-پایه ریزی جشنی در پایان سال تحصیلی بعنوان خاتمه خیر وپایان یک سال تلاش در مراکز آموزشی

۳-برقراری ارتباط وتعامل بین مدرسه وجامعه.

۴-ایجاد احساس موفقیت ورشد در بین دانش آموزان وسایر افراد ذینفع در مدرسه .

۵- فراهم کردن شرایط مطلوب کاری.

۶-ایجاد احساس علاقه ودلبستگی نسبت به کار وبه معنی کاملتر افزایش انگیزه وروحیه افراد.



سؤال دوم ایمنکه ملاکهای شما برای تقدیر وتشویق افراد چه بوده است؟

مزرعه: ملاکها تنها پیشرفتهای درسی نیست بلکه هر گونه تلاشی که جهت تحقق اهداف آموزش وپرورش صورت گرفته مد نظر داشتیم مثلا گروهی از دانش آموزان معلمین افتخاری مدارس هستند یعنی به کمک معلم در بعضی مواقع تدریس می کنند در جاهایی که می توانند رفع اشعال کنند وارد عمل می شوند که در این طرح ما به دنبال تبین جایگاه معلم برای دانش آموز هستیم همچنین حس همکاری ومساعدت به عنوان یک فرهنگ جا بیاندازیم یا معلمینی که در جشنواره الگوهای تدریس برتر رتبه آورده اند یا مدیرانی که طرحهای ناحیه وسازمان از جمله طرح کارگاهی را اجرا کردند.

رأی ملت :آیا برای سالهای آینده قصد دارید چنین جشنواره ای داشته باشد؟

مزرعه :از کلمه اولین مشخص است که دومین وسومین و...خواهد داشت.منتهی چون اولین جشنواره است مطمئناً مشکلاتی خواهد داشت که در جشنواره آینده اصلاحات مناسب صورت خواهد گرفت.

رأی ملت : اگر صحبت خاصی در این مورد دارید بفرمائید ؟

مزرعه :در پایان ضمن عرض تشکر از کلیه همکاران محترم فرهنگی که به نحوهای با جشنواره در ارتباط بودند در برگزاری آن سهم داشتند جا دارد از ریاست محترم اداره آموزش وپرورش ناحیه دو جناب آقای گاطع پور که نهایت مساعدت برای برگزاری چنین جشنواره ای داشته وکلیه دوستان که شبانه روزی در تدارک مقدمات جشنواره بودند تشکرکنم.

تقدیر فرماندار دشت آزادگان از مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب خوزستان



به گزارش روابط عمومی فرمانداری دشت آزادگان مهندس عزتی فرماندار شهرستان با ارسال نامه ای به معاونت عمرانی استانداری خوزستان ضمن ابراز خرسندی از بهبود وضعیت آب وفاضلاب دشت آزادگان از زحمات مدیر عامل شرکت آبفای خوزستان تقدیر بعمل آورد.

بنا بر این گزارش در این نامه آمده است :در پاپیگیری های جدی مهندس سیاحی مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب خوزستان در زمینه اصلاح بخشی از خطوط فرسوده فاضلاب شهرهای سوسنگرد وهویزه وهمچنین اجرای پروژه های آب وفاضلاب در این شهرستان مشکلات عمده ودیرینه شهر سوسنگرد وسایر شهرهای تابع رفع شد.

قابل ذکر است که شورای اسلامی شهر سوسنگرد نیز با ارسال نامه ای به استاندار از مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب تقدیر وتشکر نمودند.